

بررسی تطبیقی الگوهای شهرسازی معاصر

جهت ارائه الگوی بهینه بومی سازی شده در ایران

(دستیار طرح های توسعه شهری با تحقیق پژوهی حد اکثری)

علیرضا حامدی



صفحه	شماره	فهرست مطالب
1	1	چارچوب نظری تحقیق
1	1	- مقدمه:
2	2	- لزوم بررسی تطبیقی شیوه های برنامه ریزی شهری و نظریات رایج:
2	2	- اهداف تحقیق:
3	3	- سوالات تحقیق:
3	3	سوالات اصلی:
3	3	سوالات فرعی
3	3	- فرضیه های تحقیق:
3	3	- روش تحقیق:
4	4	: بیان مساله
6	6	الف: نگرش سیستمی
6	6	ب: نگرش فرایندی - راهبردی
6	6	ج: نگرش اجتماعی - مشارکتی
6	6	برنامه ریزی شهری
10	10	نگاهی به نظریه های مهم برنامه ریزی شهری
11	11	برنامه ریزی جامع یا طرح کلی
11	11	تبیین تئوریک مسئله:
14	14	نواقص طرح های جامع در ایران و دلایل توجه به نگرش راهبردی
14	14	الف) مشکلات نظری در طرح های جامع
14	14	ب) مشکلات روش ها و رویه ها در تهیه طرح های جامع
14	14	ج) مشکلات اجرایی و مدیریتی در طرح های جامع
15	15	سوابق مطرح شدن برنامه ریزی راهبردی شهری در ایران
16	16	نیاز به تفکر استراتژیک در طرح ریزی شهری
17	17	برنامه ریزی راهبردی
21	21	اثبات فرضیه
22	22	نتایج بررسی طرح های توسعه شهری به شیوه الگوی جامع (سنگی)
23	23	مشکلات روش های تهیه طرح های توسعه شهری
24	24	- عدم ارائه راهکار اجری مقابل

25	نتایج بررسی طرح های توسعه شهری به شیوه الگوی راهبردی- ساختاری
26	مهترین موانع ، تنگناها و محدودیت های موجود در کاربرد پارادایم ساختاری _ راهبردی در ایران :
26	۱- ناپایداری زیر ساخت های اقتصادی _ اجتماعی شهری :
27	۲- ناهمانگی در نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه و عمران شهری :
27	۳- مشکلات ناشی از حقوق مالکیت اراضی و قوانین مربوط به آن :
27	۴- ضعف بنیاد های مدیریت شهری و برنامه ریزی محلی :
27	۵- فقدان منابع مالی لازم برای اجرای طرح های توسعه شهری ، به وسیله شهرداریها و نهاد های موثر در توسعه شهری
27	۶- ضعف بنیاد های مشارکت در توسعه و عمران شهری :
28	جمع بندی بررسیها
29	پیشنهاد الگوی ایدهآل برای تغییر و تحول
29	امکانات (فرصت های) استفاده از پارادایم الگوی ساختاری _ راهبردی در ایران ::
30	۱) امکانات نظری و روش شناسی :
30	۲) امکانات سطوح تصمیم گیری و سلسله مراتب طرح های توسعه شهری :
30	الف) طرح های جامع (ساختاری _ راهبردی).
30	ب) طرح های تفصیلی (تفصیلی پایه _ موضوعی _ موضوعی).
31	۳) امکانات اجرایی و تحقیق پذیری طرح های توسعه شهری :
31	- اقدامات لازم جهت بومی سازی و تطبیق بیشتر الگوی راهبردی- ساختاری در نظام شهرسازی ایران
31	الویت بندی اقدامات لازم :
31	۱- اقدامات لازم برای رفع مشکلات مبانی نظری طرح های توسعه شهری ایران :
32	۲- اقدامات لازم در خصوص تهیه و تدوین طرح های توسعه شهری :
32	۳- اقدامات لازم برای رفع مشکلات نظام اجرایی طرح های توسعه شهری :
32	۴- اقدامات لازم در خصوص مشکلات نظام تصویب طرح های توسعه شهری :
33	۵- اقدامات لازم در خصوص تهیه طرح های فرادست :
33	۶- اقدامات لازم در خصوص تدوین ضوابط و مقررات :
33	نتیجه گیری و پیشنهادات
34	منابع

چارچوب نظری تحقیق

- مقدمه:

نزدیک به نیم قرن است که طرحهای جامع و تفصیلی به عنوان ابزارها واسناد هدایت توسعه فضایی شهرهای ایران مطرح هستند. با وجود این طرح‌ها در شهرهای ما، جوامع شهری مبتلا به مسائل متعددی هستند که باعث شده طرح‌های مذکور تفاوت چندانی با آنچه که طی نیم قرن اخیر صورت گرفته نداشته باشد. از زمان مطرح شدن طرح‌های جامع، مخالفت‌هایی با این شیوه برنامه‌ریزی بنا به ویژگی‌های جامعه ایرانی و سیستم‌های مدیریتی و اجرایی خاص آن شکل گرفت و این مخالفت‌ها باعث ایجاد تغییراتی در روند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری شد. موافقان طرح‌های جامع چنان از این طرح‌ها دفاع می‌کنند که گویی این شیوه برنامه‌ریزی نسخه درمان تمام دردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی و کالبدی شهرها می‌باشد، در مقابل مخالفان نیز بدون توجه به پیامدهای مثبت و میزان کارآیی و ویژگی‌های طرح‌های جامع و صرفاً به دلیل همراهی با تحولات جهانی یا کپی برداری از شیوه‌های برنامه‌ریزی کشورهای غربی و بدون توجه به ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی جامعه ایرانی از درمان‌های جدیدی سخن به میان می‌آورند.

این مناقشات میان حرفه‌مندان حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در کشور علاوه بر اینکه منجر به ایجاد تغییراتی در شرح خدمات تیپ طرح‌های جامع شهری شد، بلکه باعث گردید الگوی جدید برنامه‌ریزی طرح‌های شهری به عنوان طرح‌های راهبردی و یا گاهَا با عنوان طرح‌های راهبردی- ساختاری مطرح شود و تلاش‌هایی جهت اجرایی کردن این الگوی جدید در کشور به انجام رسد. در حال حاضر، مبانی نظری تهیه طرح‌های شهری ایران متکی بر مدل پوزیتویستی یعنی شناخت- تحلیل- طرح است. این مدل به رغم آنکه مدت‌ها الگو و روش تهیه طرح‌های شهری در کشورهای مختلف جهان بود، به تدریج جای خود را به مدل سیستماتیک تحلیل- طرح- سیاست می‌دهد و سرانجام ارزیابی و سیاستگذاری برای اجراست. اگرچه این طرح‌های توسعه شهری به ویژه طرح‌های جامع با صرف هزینه و وقت زیادی تهیه شده اند و تاثیرات خوب و قابل توجهی در منطقه‌بندی کاربریها و رعایت ضوابط و مقررات ساختمانی داشته اند، لکن به دلایلی، امکان تحقق بخشیدن به همه اهداف مورد نظر فراهم نشده است. به عبارت صریح‌تر، مکانیسم توسعه شهری در تناقض با طرح جامع ستی می‌باشد، چرا که این طرح‌ها از انطباق با تحولات و تصحیح فرآیندها عاجز می‌باشند. به عنوان مثال بانگاهی به طرح‌های جامع و تفصیلی که تاکنون برای اکثر شهرها ایران تهیه شده اند متوجه خواهیم شد که این طرح‌ها گرفتار چنین عواقبی شده اند، چرا که نه تنها در پیش بینی‌های جمعیت شهری تفاوت فاحشی دیده می‌شود بلکه این اختلاف در تعداد جمعیت، طبیعتاً تاثیرات شگرف اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و... را در پی داشته، مستلزم ارزیابی طرحها از زمان تصویب طرح‌ها در بخش‌های مختلف آنها می‌باشد. از آنجاکه تا کنون طرح‌های توسعه شهری به شیوه راهبردی- ساختاری نیز در کشور تهیه شده اند (در شهرهای مشهد، بندرعباس و...)، لذا بررسی ابعاد مختلف الگوهای شهرسازی آنها و آگاهی از نقاط قوت و ضعف مترتب بر آنها و مقایسه آنها با شیوه‌های قبلی مرسوم جامع- عقلانی، می‌تواند در بکارگیری رویکرد مناسب در برنامه‌ریزی شهری کشور راهگشا باشد.

- لزوم بررسی تطبیقی شیوه های برنامه ریزی شهری و نظریات رایج:

آنچه امروز در شهرهایی چون ارومیه، تبریز، اصفهان، تهران، کرج و سایر کلانشهرهای کشور شاهد آن هستیم بحرانهای جدی ناشی از عدم اجرا و تحقق طرح های جامع و تفصیلی شهری است که تا کنون کمتر به علل و عواقب آن پرداخته شده است و هنوز ابعاد مثبت و منفی انواع الگوهای طرح ریزی به طور کامل مشخص نشده است. ولی در میان حرفه مندان گرایش به گذر از این شیوه مشهود است. گرچه هنوز اغلب سیاستگزاران با توجه به ابعاد این گذر احتیاط بیشتری با موضوع برخورد می کنند. با توجه به مشکلات و نارسایی هایی که همه صاحب نظران و متخصصین به آنها اذعان میکنند، آیا کنون زمان آن فرا نرسیده تا جامعه علمی و عملی کشورمان به درک موجز و درستی از الگوهای طرح های توسعه شهری دست یابند و با مطالعات علمی، زوایای مختلف تاثیرات این الگوها بر نظام فضایی و توسعه شهرهای کشور را مشخص کنند؟ تا در انتخاب شیوه مناسب مداخله در شهرها برای سامان بخشی به مشکلات و معضلات فضایی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و... با توجه به ویژگی های بومی و محلی درست عمل کرده و از هدر رفتن منابع کشور جلوگیری نمایند.

ضرورت بررسی تطبیقی نظریه های رایج در طرح های توسعه شهری با توجه به بکر بودن موضوع که تاکنون در کشور مطالعه و بررسی نشده و الگوی بهینه ای ارائه نگردیده و سوابق موجود نیز اکثراً به مزايا و معایب الگوهای موجود اشاره کرده و جمع بندی نهایی ننموده اند، به عنوان یک خلا در زمینه برنامه ریزی شهری کاملاً احساس می گردد.

لذا در تحقیق حاضر ضمن مطالعه و بررسی نظری و مرور تاریخچه نظریه های شهر سازی (برنامه ریزی) و زمینه های شکل دهنده آنها از اوایل قرن بیستم تا زمان حاضر با نقد هر کدام از انواع پارادایم ها(طرح های جامع و تفصیلی، موضوعی، موضوعی و ساختاری و راهبردی) و محدودیت های تحقق آنها در کشور، با مقایسه تطبیقی آنها از نظر بررسی نقاط قوت و ضعف، معایب و مزايا هریک و استخراج ، تقویت و ترکیب موارد مثبت و مزايا هر کدام ، در نهایت راهکاری جهت تحقق حداکثری الگوی موردنظر که ترکیبی از شیوه های رایج و تجربیات کسب شده خواهد بود، پیشنهاد خواهد شد. بایستی تلاش شود با دید گسترده تر ، عمیق تر و جامع تر در این زمینه و آماده نمودن اذهان عمومی برای ورود به مباحث جدی برای انتخاب نه تنها یک روش برای برنامه ریزی همه جانبه شهری ، بلکه ارائه انواع روش های بومی سازی الگو ها و پارادایم های نوین شهر سازی جهانی ، به نحوی که در اینده چنین شرایطی درنظام شهر سازی کشور پیش نیاید که یک نوع منسوخ از روش های شهر سازی (الگوی جامع) ، سالیان سال بکار گرفته شود و راهی برای بروز نمودن آن اندیشه نشده باشد .

- اهداف تحقیق:

تعیین و تبیین اهداف در برنامه ها و طرح های توسعه شهری، این امکان را فراهم می آورد، تا تصویر روشن تر از برنامه ریزی شهر به دست داده شود. نقاط، جهات و سمت و سوی فعالیت ها و اقدامات آتی مشخص و معین شود. در این نوشتار قصد داریم به منظور یافتن راهکاری جهت اتخاذ رویکردی خاص در زمینه تهیه طرح های توسعه شهری که با توجه به شرایط زمانی و مکانی کشور مان قابلیت تحقق بالایی داشته و با بهره گیری از نقاط مثبت، مزايا و پتانسیل های الگوهای رایج و مورد استفاده در کشور پاسخگوی مسائل و مشکلات موجود در خصوص عدم تحقق طرح های توسعه شهری و برنامه های شهری باشد، ضمن بررسی نظری و مرور تاریخچه برنامه های توسعه های شهری و نظام مدیریت آنها ، نقدی بر انواع برنامه ها و محدودیت های تحقق آنها در جهان و کشور مان که میتواند ما را در انتخاب مسیر درست و پیدا کردن راه حل های کار آمد با شرایط

سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، کالبدی، فرهنگی و بومی سازی آنها کمک نماید ، داشته باشیم . لذا این تحقیق در راستای موارد فوق در بی پاسخگویی به سوالات زیر می باشد.

- سوالات تحقیق :

سوالات اصلی :

۱) - آیا در حال حاضر پارادیم جامع - عقلانی (الگوی طرح جامع - تفصیلی) جوابگوی مسائل و مشکلات شهر و شهروندان می باشد ؟

۲) - آیا پارادیم ساختاری - راهبردی جایگزین مناسبی به جای پارادیم جامع - عقلانی در تهیه طرحهای توسعه شهری کشور مان می باشد ؟

۳) - استفاده از کدام شیوه و الگوی برنامه ریزی بهتر می تواند پاسخگوی مشکلات و معضلات شهر سازی کنونی کشور مان باشد ؟

سوالات فرعی

الف) آیا استفاده از الگوی برنامه ریزی جامع - عقلانی باعث معضلات و مشکلات شهر و شهر سازی کشورمان شده است ؟

ب) آیا با اعمال قانون «لزوم تهیه طرح های جامع شهری با رویکرد پارادیم ساختاری - راهبردی مصوب مورخه ۸۶/۱۱/۱ معضلات و مشکلات شهر و شهر سازی کشور مان رفع شده و خواهد شد ؟

ج) چرا با وجود استفاده از پارادیم های مختلف همچون جامع - عقلانی (جامع - تفصیلی) ساختاری - محلی ، موضوعی ، موضوعی در ادوار مختلف بسیاری از مشکلات شهر و شهر سازی شهر های کشورمان مرتفع نگردیده و همچنان باقی است ؟

- فرضیه های تحقیق:

۱) - بنظر می رسد فقدان نظریه پردازی بومی در برنامه ریزی شهری کشور منجر به عدم تحقق طرح های توسعه شهری و شکست آنها و بروز مسائل و مشکلات کالبدی ، ساختاری و سردرگمی در شهرسازی کشور گردیده است .

۲) - بنظر میرسد با عنایت به مشکلات ، معضلات و تجربیات حاصل از به کار گیری انواع الگوها و پارادایم های برنامه ریزی جامع عقلانی(طرح های جامع ، تفصیلی) ، در تهیه طرح های توسعه شهری، اکنون به رویه ای جدید در زمینه برنامه ریزی در شهر سازی کشور نیاز داریم .

۳) - بنظر می رسد به کار گیری پارادایم برنامه ریزی ساختاری - راهبردی با استفاده از تجربیات ، نقاط قوت و مزایای طرحهای جامع به جای الگوی برنامه ریزی جامع در صورت بومی سازی با شرایط ایران از کارایی بیشتری برخوردار باشد و راه حلی برای چالش های موجود در شهرسازی کشور بوده و چشم انداز بهتری برای آینده شهر سازی کشور داشته باشد .

- روش تحقیق:

این پژوهش با هدف کاربردی و استفاده از روش کیفی و توصیفی، تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. در تحلیل وارزیابی فرض از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. در تحقیق کیفی، پدیده های اجتماعی کالبدی در یک زمینه خاص تبیین و توصیف می شوند و سپس با نگاهی کل نگر تحلیل خواهد شد. در تحقیق کیفی، پژوهشگر در نقش ابزار سنجش به تحلیل داده

ها و اطلاعات جمع آوری شده می پردازد و از روش تحلیل واژه ها به صورت نمایش تصویری و یا ارائه توصیفی استفاده میکند و کمتر بر اندازه گیری های عددی و آمار استنتاجی تاکید می گردد.(گروت و وانک، ۱۳۸۶، ۱۷۹) بر اساس این روش مراحل تحلیل کیفی فرض پژوهش در ادامه ارائه می گردد:

ابتدا با توجه به فرض پژوهش ، متون و منابع مرتبط با موضوعات پژوهش بررسی شدن. در این مرحله اطلاعات مربوط به ابعاد و روش های تهیه و اجرای برنامه های توسعه شهری بر اساس انواع روش های برنامه ریزی و تئوری های مختلف مطرح شده در این خصوص، اصول و مبانی آنها جمع آوری شد.

مرحله دوم تحقیق کیفی، تفسیر اطلاعات است. این مرحله با استفاده از تکنیک SWOT صورت میگیرد.

مرحله سوم تحقیق به تبیین نتایج این تحلیل و طبقه بندی نقاط قوت، ضعف و همچنین تهدید ها و فرصت های موجود بر اساس شیوه های قدیمی رایج برنامه ریزی و تئوری جدید راهبردی – ساختاری می پردازد.

در مرحله پایانی ، در نهایت راهبردها و پیشنهادات تدوین می شود.

از طرفی روش تحقیق در این پژوهش موردی، تطبیقی نیز است و از طریق آمار توصیفی و کتابخانه ای برای پاسخ به فرضیه اصلی(ناکارآمدی طرح های جامع و تفصیلی و لزوم بکار گیری پارادایم برنامه ریزی ساختاری – راهبردی به جای الگوی برنامه ریزی جامع در صورت بومی سازی) استفاده شده است.

برای جمع آوری اطلاعات از هر دو روش گردآوری یعنی روش مستقیم اطلاعات(مشاهده، پیمایش میدانی، مصاحبه، پرسشنامه و...) و روش غیر مستقیم گردآوری اطلاعات (استفاده از اسناد و مدارک) استفاده شده است. اطلاعات لازم از طریق چندین پرسشنامه تکمیل شده توسط کارشناسان متخصص و در دسترس و مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با اساتید دانشگاه در حوزه شهرسازی به دست آمده است.

بیان مساله :

برنامه ریزی شهری و شهر سازی علیرغم ضرورتی که در توسعه و سازمان دهی شهری به این مقولات احساس می گردد و با وجود سوابق چندین دهه آن در کشور به صورت جدی بومی سازی نشده و در نظام شهر سازی بیشتر به تقیید الگوهای چندی که عمدتاً از کشور های دیگر به عاریت گرفته شده اند اکتفا شده است، بدون آنکه به ساختار های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها که متفاوت از شرایط جامعه ما می باشد توجه کافی مبذول شود که به علت تلفیق نا صحیح آن با فرهنگ رایج شهرسازی ایرانی موجبات ناهمانگی هایی در الگوی برنامه ریزی شهری و نهایتاً آشفتگی و بی هویتی شهر ها و مشکلات جدید در دهه های اخیر گردیده است

در سالهای اخیر ، به دنبال حاد شدن مسائل ، معضلات شهر نشینی و شهر سازی کشور ، موضوع تحول در نظام (پارادایم ها و الگوهای رایج طرح های توسعه) شهر سازی کشور ، هم در میان مسئولین ، مدیران دستگاهها و سازمانهای تصمیم گیر و هم در میان نهاد ها و سازمانهای تصمیم ساز در حرفه شهر سازی و هم در حوزه های آکادمیک کشور به یک ضرورت تبدیل شده است و وظیفه پژوهشگران شهر سازی شناخت تجارب جدید جهانی ، درک و جذب بومی سازی شده آنها ست شاید بحث در عرصه نظری آسان باشد ولی در عرصه عمل با مشکلات زیادی برای بکار گیری این اندیشه ها و روشهای نو وجود دارد .

بیش از ۵ دهه است که الگوی سنتی طرح های جامع با رویکرد مبتنی بر خرد گرایی و مدیریت متمرکز دولتی و متکی به پیش بینی وقایع به واسطه ناکارآمدی و تعارض با واقعیت های جامعه آماج انتقادات واقع شده است با ناکامی های حاصل از الگوی سنتی و تبلور نظریه ها و تفکرات جدید در حوزه برنامه ریزی شهری دیدگاههای جدیدی با عنوان پارادایم ساختاری ، پارادایم راهبردی و نیز پارادایم ساختاری - راهبردی مطرح شده است که هر کدام چه در عرصه روش شناسی ، چه در عرصه مدیریت واجراء تفاوت های عمدی ای با پارادایم های جامع - عقلانی (طرح های جامع - تفصیلی) دارند . ارزیابیهای سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور نشان می دهد که ما همچنان با مشکلات عدیده ای در رابطه با تهیه و اجرای الگو های طرح های جامع روپرور هستیم و اکثریت این طرحها در عمل در جهت اهداف تعیین شده حرکت نکرده اند و بیش از ۷۰ درصد پیش بینی های جمعیتی طرح های جامع و تفصیلی تحقق نیافته و در ۴۰ درصد از موارد جهات گسترش شهر در خلاف جهت توسعه پیش بینی شده شکل گرفته و در زمینه تراکم ساختمانی تقریباً در هیچ یک از شهر ها، تراکم های پیشنهادی محقق نشده است این در حالی است که حتی اگر طرح های جامع و هادی در مقیاس صد درصد هم تحقق می یافتد به واسطه صرف کالبدی آنها ، بار چندانی از دوش مسئولان شهر و شهر سازی و شهرداران کشور کم نمی شد و بسیاری از امور حیاتی شهر ها ، از جمله مسائل اقتصادی ، هزینه و در آمد شهرداریها ، مسائل اجتماعی ، فرهنگی ، زیست محیطی ، امنیتی و اینمی ، زیبا شناختی شهر ها همچنان بدون راه حل اصولی باقی می مانند . با عنایت به ویژگیها ، محدودیتها و مشکلات طرحهای جامع و تفصیلی و نیز اعتقاد عمومی به نا کار آمد شهرداریها طرحهای جامع و تفصیلی ، امروز کمتر کسی است که در حوزه آکادمیک ، نظام سیاسی و مدیریتی و چه در حوزه حرفة ای از طرح های جامع و تفصیلی در کشور دفاع کند . حتی موافقان با طرح های جامع و تفصیلی هم اعتقاد به اعمال تغییرات عمدی در روند تهیه و اجرای طرح های جامع دارند . علیهذا با توجه به موارد فوق الذکر هر گونه جایگزینی طرح های جامع و تفصیلی شهر ها با هر پارادایم جدید اولاً باید با شرایط سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی ، حقوقی و قانونی کشور مان همسو و همگرا باشد . ثانیاً اشکالات و محدودیتها و نواقص طرح های جامع و تفصیلی را نداشته و پاسخگوی نیاز ها و مسائل و ارزشهای جدیدی باشد که امروزه با آن روپرور هستیم . به همین سبب است که در سالهای اخیر بسیاری از صاحب نظران جوامع در حال توسعه معتقد به تجدید نظر اساسی در الگوهای وارداتی برنامه ریزی شهری اند.

بطور کلی برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک) در غرب بجای برنامه ریزیهای جامع به میدان آمد ؛ یعنی با توجه به پشتونه نظری آنها برداشت های فوریدیسم - کینزین صحنه را به برداشت های نئولیبرال واگذار نمودند . اما از آنجا که عنوان " طرح جامع راهبردی " فعلاً در کشور رایج شده، ما هم این عبارت رایج شده را برای عنوان بحث خود انتخاب نموده و فعلاً از پرداختن به این بحث که اصولاً " طرح استراتژیک بجای طرح جامع و یا کمپرسیو و نه تکمیل کننده و تداوم ان به میدان آمد ، خود داری مینماییم .

از آنجا که برنامه ریزی راهبردی به عنوان نگرش و برداشتی متفاوت با الگوی جامع شناخته می شود، تعیین نظریهای واحد برای معرفی مبانی برنامه ریزی راهبردی و یا شیوه مورد عمل در این الگو امکان پذیر نیست. اما به تناسب نوع نیازهای اصلی الگوی برنامه ریزی راهبردی و مباحث بنیادین آن می توان بنیان های نظری این الگو را تدوین کرد. در طبقه بندی کلی، اصول اولیه الگوی ساختاری- راهبردی را در قالب سه عنوان زیر می توان دنبال کرد:

الف: توجه به شناخت و تحلیل در قالب روش سیستمی و نگرش مبتنی بر آن(نگرش سیستمی)؛**ب:** لحاظ کردن برنامه‌ریزی در قالب فرایند مرحله‌ای و هدایت شده مبتنی بر هدف(نگرش فرایندی-راهبردی)؛**ج:** تأکید بر نگرش‌های اجتماعی، مقوله مشارکت و حضور عناصر مؤثر در برنامه‌ریزی از سطوح پائین به بالا(نگرش اجتماعی-مشارکتی).

الف: نگرش سیستمی

از عمده‌ترین نظریه‌پردازان حوزه نگرش سیستمی که بیشترین تأثیر را در الگوی ساختاری-راهبردی به جای گذاشته و موحد تغییر در دیدگاه‌های سنتی شده‌اند، می‌توان به چادویک اشاره کرد که اعتقاد به عدم کارایی الگوی برنامه‌ریزی جامع به دلیل پیچیدگی جامعه شهری و دخالت عوامل متعدد فردی-اجتماعی دارد. وی معتقد بود که با استفاده از روش سیستمی می‌توان به تجزیه و تحلیل و بازخورد مبتنی بر حل مسائل پرداخت.

ب: نگرش فرایندی-راهبردی

نگرش مبتنی بر هدف گذاری و مرحله‌ای کردن برنامه‌ریزی از جمله مؤثرترین نظریه‌های کارآمد در تدوین الگوی راهبردی است، زیرا مجموع نظریاتی که در این خصوص ارائه شده است، هر یک به گونه‌ای نقش در اصلاح فرایند ناقص طرح‌های جامع و هدفمند کردن مطالعات و تدوین داده‌ها داشته است. از آن جمله می‌توان به نظریه‌های مطرح شده به وسیله پیترهال، لیندلوم، فالودی و راسل ایکاف اشاره کرد که هر یک به نوعی نقش هدایت‌گر و نظام‌مند برنامه‌ریزی را عنوان کرده‌اند.

ج: نگرش اجتماعی-مشارکتی

یکی از حوزه‌های نظری مؤثر در تدوین الگوی برنامه‌ریزی راهبردی توجه به مردم و جنبه‌های حضور و مشارکت آنها در نظام برنامه‌ریزی است. در حقیقت، لحاظ کردن بازیگران اصلی برنامه‌های شهری و دخالت آگاهانه و مؤثر آنها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، از جمله دستاوردهای نظری مهمی بود که به وسیله پل دیوبیدوف، سوزان و نورمن فین‌اشتاين و دیوید هاروی عنوان شده و در حوزه نظری، تأثیر بسیاری در الگوی ساختاری-راهبردی ایجاد کرد.

در جدول شماره ۱ تغییرات جنبه‌های برنامه‌ریزی و موارد کاربردی آن در طول قرن ۲۰ به طور خلاصه ذکر شده و در جدول و نمودار بعدی مقایسه ای بین دو رویکرد غالب در برنامه‌ریزی قرن ۲۰ نشان داده شده است. در جدول شماره ۳، نگرش‌های سه گانه پیش گفته با توجه به نظریه‌های مطرح شده به وسیله نظریه پردازان مورد بررسی و مقایسه تطبیقی قرار گرفته‌اند سعی شده است تا مهم‌ترین وجه هر نظریه که به نوعی در تدوین شیوه جایگزین طرح‌های جامع دارای تأثیرات کاربردی بوده‌اند، تبیین شوند.

برنامه‌ریزی شهری

تا حدود دهه ۱۹۶۰ معمولاً چنین تصور می‌شد که شهر و مسائل آن مثل هر پدیده دیگر به کمک تعلق و علوم مختلف قابل شناخت بوده و درنتیجه قابل نظارت و هدایت است و فقط می‌باید از علوم مختلف بهره جست. اما تجارب و تحولات بعدی تردیدهای جدی در این نحوه نگرش به شهر و برنامه‌ریزی برای ان بوجود اورد اول اینکه معلوم شد که ماهیت شهرها بسیار پیچیده تر از ان است که گمان می‌رفت دوم اینکه امکانات شناخت و مداخله ما در روند تحولات شهرها بسیار محدود است و دیگر اینکه میزان و نوع مداخله در ساختار و عملکرد شهرها امری بسیار حساس و احتمالاً با عوارض پیش‌بینی نشده همراه خواهد بود. در نتیجه این تحولات و تغییر دیدگاه‌ها نسبت به برنامه‌ریزی جامع و عقلانی الگوی جدیدی از برنامه‌ریزی در دهه

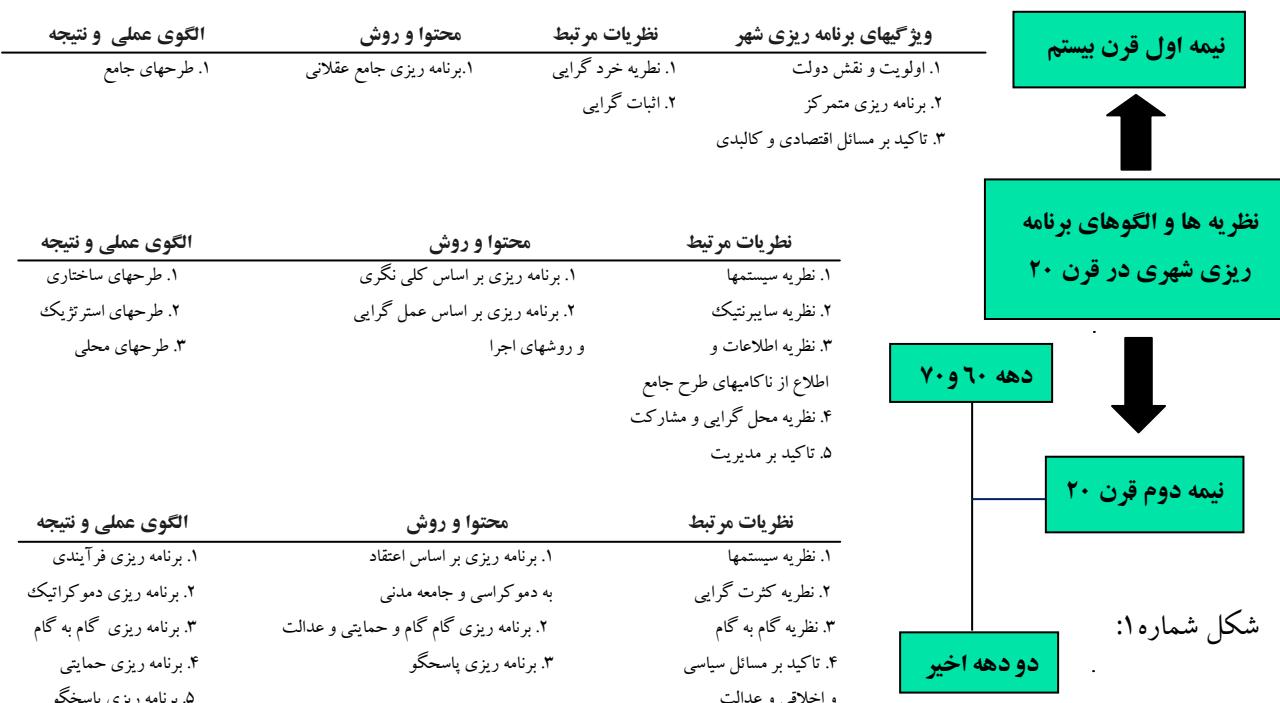
۱۹۶۰ در انگلستان و امریکا رواج پیدا کرد که معمولاً تحت عنوان برنامه ریزی سیستمی یا برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک) شناخته شده است. اما از حدود دهه ۱۹۸۰ به دنبال ظهور تحولات جدید سیاسی و اجتماعی در غرب الگوی برنامه ریزی راهبردی نیز در معرض انتقاد و اصلاح قرار گرفته است و نظریه ها و دیدگاههای جدیدی در جهت تکمیل برنامه ریزی شهری و روش های علمی و اجرایی ان به ظهور رسیده است. از جمله میتوان به نظریه های برنامه ریزی دموکراتیک ، برنامه ریزی فرایندی ، برنامه ریزی مشارکتی ، برنامه ریزی حمایتی و برنامه ریزی گام به گام اشاره نمود.

جدول شماره ۱ : تغییرات جنبه های برنامه ریزی و موارد کاربردی آن

دوره زمانی	۱۹۰۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰ - ۱۹۹۰	۱۹۹۰	ضوابط و طرح توسعه
محصول	طرح جامع یا کلی ^۱	طرح جامع ^۲	طرح اقدام جمعی ^۳	نقشه جایگاه و طرح توسعه ^۴	وضع موجود	طرح راهبردی	چشم انداز، مأموریت، وضعیت و اجرایی
جهت حرکت	شهر زیبا و برنامه ریزی شهری	برنامه ریزی شهری و منطقه ای	برنامه ریزی وکالتی ^۵	برنامه ریزی محیطی	فرآیندی	برنامه ریزی اجتماع محور و فرآیندی ^۶	شهرنشینی جدید و برنامه ریزی سنتی ^۷ جدید
رنامه ریزی	برنامه ریزی فیزیکی	برنامه ریزی استراتژیک و انتقالی	برنامه ریزی راهبرد عمومی	برنامه ریزی اکولوژیکی	برنامه ریزی اجتماعی	برنامه ریزی جامع	برنامه ریزی فیزیکی
معماری منظر، معماری، جامعه شناسی، حقوق، جغرافی، مهندسی، اقتصاد							ریشه ها

جدول ۲: مقایسه دو رویکرد غالب برنامه ریزی در قرن بیستم

الگوی کثrt گرا یا مدل برنامه ریزی پایین به بالا (گرایشات مرسوم در نیمه دوم قرن بیستم)	الگوی خرد گرا یا مدل برنامه ریزی از بالا به پایین (شیوه مسلط در نیمه اول قرن بیستم)
منابع اجتماعی، آحاد مردم در قالب گروه های مردمی به عنوان صاحبان منابع سیاسی- اجتماعی فرهنگی جامعه	منابع اجتماعی ، طبقه فرمانروا یا نخبگان مسلط
رسانه ها، بسیار زیاد و مستقل	رسانه ها، ساختار انحصاری و همسان شده
ایدئولوژی متنوع و با دیدگاه های رقابتی و خواست عمومی	ایدئولوژی ، گزینشی و منسجم و تعیین شده از بالا
نظم اجتماعی غیر قابل پیش بینی	نظم اجتماعی مستقر
هویت ملی (یکپارچه سازی و یگانگی)	هویت ملی (یکپارچه سازی و یگانگی)
توزیع درآمد و عدالت اجتماعی	رشد اقتصادی(افزایش درآمد ملی)
مشارکت سیاسی	جامعه پذیری سیاسی
احترام به حقوق عمومی مصرف کنندگان	احترام به حقوق مالکیت و تجارت
گسترش فرصت های آموزشی و حرفه ای	گسترش آموزش های حرفه ای
دسترسی به اطلاعات	حاکمیت و کنترل اطلاعات
حقوق اقلیت	قاعده اکثریت
استقلال محلی و منطقه ای	کنترل مرکزی
خلاقیت فرهنگی و گاهی تضاد	هدایت فرهنگی و گاهی سانسور
توجیه اجتماعی برنامه از طریق مذاکره و مباحثه	توجیه علمی برنامه توسط متخصصان
توجه به فرآیند در عمل برنامه ریزی	توجه به نتیجه در عمل برنامه ریزی
تصمیم گیری سلسله مراتی و از بالا به پایین	تصمیم گیری سلسله مراتی و از بالا به پایین
مردم به عنوان مشارکت کنندگان در فرآیند برنامه ریزی	مردم به عنوان منبع اطلاعات



جدول ۳-

نظریه‌های مؤثر در نقد الگوی طرح جامع و ارائه الگوی برنامه‌ریزی راهبردی

تکرش اصلی	نظريه پرداز	کاربرد در الگوی راهبردی
تکرش سیستمی	چادویک (Chadwick)	چادویک در کتاب تکرش سیستمی خود، مقایسه‌ای بین مدل برنامه‌ریزی و مدل سیستماتیک انجام داد. وی معتقد است روش سیستمی با توجه به تجزیه و تحلیل و بازخورد مبتنی بر حل مسائل، کارآئی بیشتری دارد. به اعتقاد چادویک، با توجه به پیچیدگی جامعه شهری و دخالت عوامل متعدد فردی و جمعی، الگوی طرح‌های جامع که به شیوه‌های متعلقی و تقلیلی تهیه می‌شوند با واقعیت تعارض دارند و اجرا شدن تیستند.
تکرش فرآیندی- راهبردی برنامه‌ریزی	پیتر هال (Peter Hall)	پیتر هال در انتقاد از برنامه‌ریزی جامع، به ضرورت به کارگیری اصول برنامه‌ریزی راهبردی اشاره دارد. به تظر وی، برنامه‌ریزی شهری قبل از پرداختن به جزئیات، به تمرکز بیشتر بر روی اصول کلی تیاز دارد و باید بر فرایند با توالی زمانی در جهت رسیدن به اهداف تاکید کند.
تکرش فرآیندی- راهبردی برنامه‌ریزی	لیندبلوم (Lindblum)	لیندبلوم در تقدیر برنامه‌ریزی جامع و روش‌های جایگزین آن، به مقوله برنامه‌ریزی افزایشی (گام به گام) اشاره دارد. در این شیوه توصیه می‌شود که به جای تعیین برنامه‌ها و سیاست‌های درازمدت از اهداف کوتاه‌مدت و مرحله‌ای با توجه به تغییرات استفاده شود.
تکرش فرآیندی- راهبردی برنامه‌ریزی	فالودی (Faludi)	به اعتقاد فالودی، یکی از راه‌های غلبه بر محدودیت برنامه‌ریزی جامع، توسل به برنامه‌ریزی فرآیندی و راهبردی است. از تظر وی راهبردهای برنامه‌ریزی، رویکردهایی هستند که روتند برنامه‌ریزی بر پایه شناخت‌های معتبر و امکانات واقعی را استوار می‌سازند؛ به گوتهای روتند تصمیم‌گیری به جای تعیین تکلیف قطعی و تهابی، در جهت اصلاح واقعی و مرحله‌ای قرار می‌گیرد.
تکرش اجتماعی- متارکتی برنامه‌ریزی	راسل ایکاف (Russel Acuff)	با توجه به تغییر و دگرگوتوی مسلم در پدیده‌های جهان و پیچیدگی آنها، باید با آشناگی جامعه به طور کلی بخورد شود و برای حل آن باید تعامل بین بخش‌های مختلف مستحسن گردد. اصول عملیاتی برنامه‌ریزی تعاملی عبارتند از: متارکت، مذاومت و کلی تکری مبتنی بر برنامه‌ریزی هدف‌ها.
تکرش اجتماعی- متارکتی برنامه‌ریزی	تورمن و سوزان فین‌اشتاين (Norman & Susan Fainstein)	تائید بر نقش اجتماعات محلی و متارکت مردم در تصمیم‌گیری مسائل شهری و ارتباط بین دموکراسی سیاسی و میزان موفقیت در برنامه‌ریزی شهری.
	دیوید هاروی (David Harvey)	از تظر هاروی، شهرتشیتی را باید به صورت مجموعه‌ای از روابط اجتماعی در تظر گرفت که روابط جامعه را به طور کلی مستعکس می‌کند. این مجموعه روابط اجتماعی باید دارای قوایتی باشد که طبق آنها ساختار شهر شکل می‌گیرد. در حقیقت واقعیت‌های فضایی و اجتماعی، هر دو در ارتباطی متقابل تحقق می‌یابند که برای ترکیب آنها باید زبان مشترکی در تکرش مذکور بوجود آید.

نگاهی به نظریه های مهم برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی جامع یا طرح کلی

برنامه ریزی سیستمی

برنامه ریزی راهبردی شهری

برنامه ریزی و کالتی (حمایتی)

برنامه راهبردی توسعه شهری (CDS)

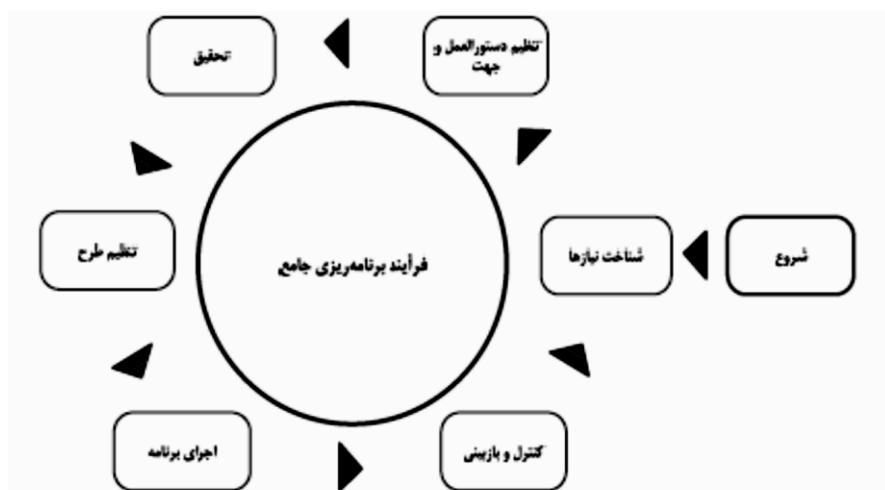
سال	ارائه دهنده	کشور	نوع برنامه ریزی
۱۹۶۵	لیندلوم	آمریکا	برنامه ریزی اندک افرا
۱۹۶۵	دبویدوف	آمریکا	برنامه ریزی حمایتی
۱۹۶۵	-	آمریکا	برنامه ریزی عدالتخواه
۱۹۶۵	چادویک	انگلستان	برنامه ریزی سیستمی
۱۹۶۰ دهه	-	آمریکا	برنامه ریزی راهبردی
۱۹۷۲	فالودی	انگلستان	برنامه ریزی فرآیندی
۱۹۷۳	فریدمن	آمریکا	برنامه ریزی داد و ستدی
۱۹۸۱	مک کوئل	انگلستان	برنامه ریزی پاسخگو
۱۹۸۵	فین اشتاین	آمریکا	برنامه ریزی دموکراتیک
۱۹۹۰ دهه	هیلی	انگلستان	برنامه ریزی مشارکتی
۲۰۰۷	دبوید والترز و لیندا براون	آمریکا	برنامه ریزی طراحی محور

جدول ۴ و ۵: تاریخی تئوری های برنامه ریزی در جهان و نتایج آن

تاریخ	تئوری	رویکرد	نتیجه
۱۹۰۰	برنامه ریزی کالبدی	زیباسازی شهری	طرح کلی
۱۹۵۰	برنامه ریزی جامع	برنامه ریزی شهری و منطقه ای	طرح جامع
۱۹۶۰	برنامه ریزی اجتماعی	برنامه ریزی مشارکتی	طرح اجتماع محور
۱۹۷۰	برنامه ریزی اکولوژیکی	برنامه ریزی محیطی	طرح توسعه
۱۹۷۰-۸۰	برنامه ریزی راهبرد عمومی	برنامه ریزی سیستمی	طرح راهبردی
۱۹۸۰	برنامه ریزی استراتژیک	برنامه ریزی فرآیندی	طرح اجرایی فرآیندی

برنامه ریزی جامع یا طرح کلی

در اینگونه برنامه ریزی اهداف ، مقاصد برنامه ریزی از قبل توسط نمایندگان سیاسی و مدیران جامعه تعیین میشود و بنابراین در فرایند برنامه ریزی جامع ، موضوع تصمیم سازی و تعیین اهداف و سیاست ها اصولاً مطرح نیست و طبق موازین عقلی و علمی اطلاعات لازم در مورد شهر جمع اوری و مورد تحلیل قرار می گیرد حاصل کار طرح جامع است که بصورت کلی و جزئی وضعیت کاربری زمین را در حال و آینده به صورت نقشه های تفضیلی و ضوابط دقیق اجرایی را معلوم میکند.



شکل شماره ۲: فرآیند برنامه ریزی جامع

به دنبال ناکامی چشم گیر الگوی برنامه ریزی سنتی و درس آموزی از تجارت اجرای برنامه های جامع از یک سو و گسترش نیازها و اهداف جدید در توسعه شهرنشینی و شهرسازی، مثل حفاظت محیط زیست، توسعه پایدار، گسترش رفاه اجتماعی، بهبود گذران اوقات فراغت، مناسب سازی سیمای شهرها و به طور کلی اعتلای کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در شهرها از سوی دیگر، دیدگاه های جدیدی در عرصه شهرسازی پدید آمد که الگوی تهیه و اجرای برنامه های شهری را، به صورت بنیادی تغییر داد.

الگوی برنامه جامع در دهه 1950 در آمریکا و 1970 در انگلستان، تحت تأثیر نظریه سیستم ها، نظریه تصمیم و نظریه مشارکت، از جهات مختلف نظری و عملی مورد تجدید و « برنامه ریزی ساختاری » مد نظر قرار گرفت و به دنبال آن در انگلستان و کشورهای پیرو آن برنامه ریزی استراتژیک جایگزین برنامه های جامع، در ایالت متحده و کشورهای پیرو آن گردید.

تبیین تئوریک مسئله:

علل عدم تحقق اهداف توسعه شهری در ایران بر اساس تحقیقات متعددی که در گذشته پیرامون موفقیت این طرحها و همچنین دلائل عدم تحقق اهداف آنها که در گذشته پیرامون میزان موفقیت این طرح ها و همچنین دلائل عدم تحقق اهداف آنها صورت پذیرفته و نیز توجه به تجارت کشورهای موفق و ابداع کننده طرح های یاد شده مانند انگلستان ، آمریکا، فرانسه، آلمان و ...

حول یک محور اساسی است که آن هم عدم وجود ارتباط میان نظام برنامه ریزی و تحولات اجتماعی است . زیرا وجود ارتباط دو سویه این دو باعث تحول در نظام برنامه ریزی میگردد و بالعکس حداقل دو تغییر در کشورهای نامبرده تجربه شده است. در گزارش مفصل "مرکز سازمان ملل متحد برای سکونتگاههای انسانی" (Habitat) در سال ۱۹۹۵، که در آن تجارب برنامه ریزی شهری در سطح جهان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، این نظر اعلام شده که طرح‌های جامع سنتی اغلب ناموفق بوده است. به طور کلی علل عدمه ناکامی طرح‌های جامع توسعه شهری در جدول زیر گردیده است :

جدول ۶: مزایا و معایب طرح‌های جامع سنتی

معایب	مزایا
در کمال ماهیت پیچیده فرایند برنامه ریزی جامع برای مردم عادی دشوار است	موفقیت نسبی در منطقه بندی کاربریها
چشم انداز بلندمدتی که برنامه ریزی جامع را منحصر بفرد می‌کند به وسیله حقایق کوتاه مدت فرایندهای سیاسی به خوبی پوشش داده نمی‌شود(مثالاً زمان تعهد و الزام اکثر سیاستمداران بسیار کمتر از ۳۰ سال است و شرایط جهانی معمولاً خیلی پویاتر از آن است که برای دوره زمانی بیشتر از ۲۰ سال قابل پیش‌بینی باشد)	تأثیر در رعایت ضوابط و مقررات ساختمانی
- عدم هماهنگی و همیاری میان بخش‌های عمودی و افقی برنامه ریزی - ناهمانگی میان فرآیند تهیه طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی	انطباق با قوانین قضایی کشور آشنایی بدنی کارشناسی شهرداریها با طرح‌ها و ضوابط
مقررات نامناسب کاربری زمین در مورد منطقه بندی و تفکیک اراضی تنگناهای سازمانی و عدم همکاری میان نهادهای مسؤول مختلف با توجه به این مشکلات	مقررات نامناسب کاربری زمین در مورد منطقه بندی و تفکیک اراضی تنگناهای سازمانی و عدم همکاری میان نهادهای مسؤول مختلف با توجه به این مشکلات
نگرش فقدان هدف گذاری موانع محدود کننده مربوط به ضوابط قانونی مالکیت	
عدم توجه کافی به اهداف کیفی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های بومی و محلی.	

سازمان ملل متحد به منظور اصلاح نظام برنامه ریزی شهری، ایجاد تغییرات زیر را لازم دانسته است :

الف) در نظر گرفتن امکانات و ابزارهای اجرایی

ب) در نظر گرفتن سلسه مراتب انواع طرح‌های شهری و منطقه‌ای

ج) تاکید بر برنامه ریزی محلی و عملی

د) تاکید بر ابعاد راهبردی و مدیریت طرح‌های شهری

ه) تغییر طرح شهری از صورت آماده به صورت یک فرآیند

از اوایل دهه ۷۰ شمسی که دلایل عدم تحقق طرح‌های توسعه شهری در دستگاههای متولی طرح جامع (سازمان برنامه و بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور) عنوان شد یکی از نکات اصلی مورد بحث مشکل نحوه تدوین طرح‌های توسعه شهری بود. یکی از دلایل اصلی عدم تحقق طرح‌ها، نگرش مبتنی بر فقدان هدف گذاری طرح‌های شهری در ایران معرفی شد و این همان فقدان نگرش راهبردی در نظام برنامه ریزی شهری ایران بود. اگر چه دلایل عدم تحقق متعددند، ولی آنچه را که می‌توان به عنوان محورهای عمدی و اصلی نقصان معرفی کرد، در پنج مقوله عمدیه اصلی زیر می‌گنجند. به عبارتی، هر طرح جایگزین باید بتواند پاسخگوی مناسبی برای این موارد نقصیه، که زنجیروار متصل به یکدیگرند، باشد. این پنج مورد عبارتند از (احمدیان، ۱۸۳۱، ص: ۶۹):

۱-مسائل و مشکلات نظری و مباحث تئوریک در تهیه طرح‌های توسعه شهری:شیوه مرسوم در مطالعات طرح‌های جامع شهری،روش استقرایی است که طی آن اطلاعات جزئی متعدد در مورد اجزای شهر جمع آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود،بدون آنکه به ارتباط یا روح حاکم بر بخش توجه شود.به طور مثال،اطلاعات مختصراً مربوط به شبکه حمل و نقل و ترافیک-مانند تعداد و عرض خیابان‌ها،نوع و حجم وسایل نقلیه،میزان تردد و امثال آن-جمع آوری می‌شود،بدون آنکه جایگاه نظام حمل و نقل با توجه به سایر عناصر اصلی نظام شهری تعیین یا تبیین شود.

۲-مسائل و مشکلات مربوط به حوزه فراشهری(منطقه‌ای-ملی):نظام برنامه‌ریزی شهری به دلیل وابستگی شدید به شرایط سیاسی،اقتصادی،اجتماعی و کالبدی و بسترهاش شکل گرفته خود ناگزیر از بررسی حوزه‌های فرادست شهری است.این مقوله که تحت عنوان سیاست‌های آمایش سرزمین و تحلیل نظام اسکان عنوان می‌شود،یکی از حلقه‌های مفقود نظام برنامه‌ریزی شهری ایران است.مقوله مذکور،به دلیل ساختار تمرکزگرای نظام تصمیم‌گیری در ایران و عدم استقلال بخش‌های مختلف جغرافیایی،در خور تأکید بیشتری است.

۳-مسائل و مشکلات نظام تهیه و تدوین طرح:تجربه برنامه‌ریزی برای پیش‌بینی درازمدت در همه نظامهای برنامه‌ریزی با شکست مواجه شده است،زیرا نیاز به استفاده میلیون‌ها شاخص دارد که جمع آوری صحیح آنها هم دشوار است و هم گاه امکان ناپذیر.نتیجه چنین مطالعاتی این است که کلیت شهر،که صورت کاملی از تقابل نمودها و بعد مختلف چند وجهی است،به مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی تقلیل می‌یابد،بدون آنکه ساختار مفهومی رابطه بین آنها لحاظ شوند.به عبارتی،غنى‌ترین وجہ شناخت(بررسی روح حاکم بر اجزا)در مطالعات توسعه شهری انجام نمی‌شود.

۴-مسائل و مشکلات نظام اجرایی-مدیریتی طرح‌های توسعه شهری:ضعف نهادهای اجرایی محلی و محدودیت اختیارات و مسئولیت آنها(خصوصاً شهرداری)در روند تهیه،تصویب و اجرای طرح‌های توسعه شهری ایران،باعث توجیه وجود برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه شده است و نهایتاً نیز چنین روندی مانع جلب همکاری و مشارکت نهادها و نیروهای محلی مؤثر در توسعه شهری شده است.در زمان حاضر،تدوین و اجرای طرح با دو نظام متفاوت انجام می‌شود.از یک طرف تهیه طرح به عهده‌های مجموعه‌ی تیم کارشناسان و برنامه‌ریزان خارج از نظام اجرایی است(مشاوران یا مهندسان مشاور)؛و از طرف دیگر اجرای طرح به عهده‌های تشکیلات اداری-اجرایی گذاشته شده است،که کمترین همخوانی را با اهداف برنامه‌ریزی و روش‌های مطالعاتی دارند.

۵-مسائل و مشکلات نظام تدوین ضوابط و مقررات:محدودیت‌های ناشی از فقدان ضوابط و مقررات مدون،اگر چه تاکتون کمتر به عنوان موضوعی مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته،اما واقعیت آن است که بدون وجود ضوابط مشخص در نحوه اجرای طرح‌های توسعه شهری،عملای هر یک از پیشنهادها با عدم اجرا و یا ضعف در انتباق با شرایط جامعه مواجه گردیده است.در این بین ضوابط مربوط به نظام مالکیت زمین بیش از هر ضابطه‌ای،نیازمند بازنگری و تغییر است؛زیرا یکی از دلایل عدمه‌ء عدم تحقق طرح‌های شهری،موقع محدود کننده مربوط به ضوابط قانونی مالکیت است.

نواقص طرح‌های جامع در ایران و دلایل توجه به نگرش راهبردی

به طور کلی، می‌توان مجموعه نقایص و مشکلات طرح‌های جامع شهری را به سه عرصه‌ی نظری، روش‌شناسی و اجرایی تقسیم کرد:

الف) مشکلات نظری در طرح‌های جامع

الگوی طرح‌های جامع - تفصیلی اصولاً بر مبنای نظری خردگرایی، اثبات‌گرایی و کارکرد‌گرایی استوار است و بنابراین ذاتاً دارای محدودیت‌هایی است که نمی‌تواند شناختی درست و واقع‌ینانه از شهر و راههای مداخله و نظارت بر آن را نشان دهد. اهم این مشکلات نظری و شناختی به قرار زیر است:

- عدم توجه کافی به ماهیت پیچیده و پویایی شهر و مشکلات آینده نگری برای آن. (بدین گونه که در طرح جامع، برنامه‌ها به صورت ایستا ارائه می‌شد و با گذشت زمان آن‌ها اصلاح نمی‌شدند)

- سردرگمی دانش شهرسازی میان رشته‌های مختلف علوم مهندسی، طبیعی و اجتماعی. (شهرسازی علمی میان رشته‌ای است و می‌توان گفت که از تمام علوم کمک می‌گیرد، اما در دوره‌های جدید ابعاد غیر مهندسی آن بر ابعاد مهندسی اش غلبه یافته این در حالی است که در طرح‌های جامع همچنان دیدگاه مهندسی غالب است، اگر چه نوعی سردرگمی ناشی از اهمیت یافتن ابعاد غیر مهندسی برای برنامه‌ریزان این نوع طرح‌ها ایجاد شده است، چرا که ابزارها و متداولوثری آن‌ها خصلت مهندسی دارد)

- تقلیل برنامه‌ریزی شهری به برنامه‌ریزی کالبدی و عدم توجه به طراحی شهری. (طرح‌های جامع به شهر به صورت کالبدی می‌نگریستند و به ابعاد دیگر آن کمتر اهمیت می‌دادند)

- عدم توجه به روندهای تصمیم‌سازی و تعیین اهداف و سیاست‌ها.

- عدم توجه کافی به اهداف کیفی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های بومی و محلی.

ب) مشکلات روش‌ها و رویه‌ها در تهیه طرح‌های جامع

روش‌ها و رویه‌های تهیه و تصویب طرح‌های جامع و تفصیلی، در عمل، بسیار کشدار، آمرانه و از بالا به پایین است، به نحوی که فاقد پویایی و انعطاف‌پذیری است و از روندهای واقعی به دور است. اهم این مشکلات به شرح زیر است:

- انجام مطالعات تفصیلی، پراکنده، غیرمستقیم و بی‌هدف.

- تأکید بیش از حد بر روش‌های تجزیه‌ی و ایستا.

- ناپیوستگی میان مراحل برنامه‌ریزی، تهیه طرح، اجرا و مدیریت.

- تأکید بیش از حد بر معیارهای کمی، تقسیمات مصنوعی و یکسان‌سازی الگوها.

- محصور کردن توسعه‌ی آتی شهر در چارچوب خشک و بی‌انعطاف نقشه کاربری زمین

- عدم توجه کافی به ویژگی‌های اجتماعات محلی و نیازهای آنها.

ج) مشکلات اجرایی و مدیریتی در طرح‌های جامع

طرح‌های جامع و تفصیلی، معمولاً بر اساس تصمیمات مدیران سیاسی و نظرات آرمانی کارشناسی و بدون توجه به امکانات واقعی و ابزارهای اجرایی تهیه می‌شود و بنابراین از قابلیت تحقق‌پذیری و انطباق‌پذیری بی‌بهره است.

- عدم مشارکت شهروندان و گروههای ذی نفع در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری: ارائه طرح و اجرای آن توسط دولت و مشاوران آن صورت می‌گرفت و مردم هیچگونه نقشی در آن نداشتند

- تبدیل فرآیند توسعه و عمران شهری به مجموعه‌ای از رویه‌های اداری: بدین گونه که این طرح در شهرداریها ارائه می‌شد و به صورت کاملاً اداری اجرا می‌شد

- مقررات خشک و رسمی

- عدم توجه کافی به امکانات اجرایی: مالی، فنی و سازمانی

- عدم پیش‌بینی اهرم‌های نظارت، پیگیری و اصلاح: به جز شهرداری هیچ ارگانی بر اجرای این طرح نظارت و کنترل نداشت

- عدم استفاده از امکانات مردمی و محلی در اجرا و مدیریت.

سوابق مطرح شدن برنامه ریزی راهبردی شهری در ایران

در نتیجه تحولات و تغییر دیدگاهها نسبت به برنامه ریزی جامع عقلانی الگوهای پارادیم‌های جدیدی از برنامه ریزی که نتیجه تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و زمانه خود بود در اکثر کشورهای توسعه یافته رواج پیدا کرد که همراه با نقد پارادیم گذشته در جستجوی یافتن پارادیم‌های جدید برای حل بحران شهرها بودند. بطور خلاصه می‌توان گفت که همه این تلاشها بطور خود آگاه یا ناخود آگاه معطوف به چند محور اساسی است که به منظور اصلاح و تحول شهرسازی مدرن (الگوی جامع - عقلانی) صورت گرفته است:

- ۱- بازنگری در مفهوم و تعریف شهرسازی (بعد شناخت شناسی)
- ۲- بازنگری در اهداف و وظایف شهرسازی (بعد محتوایی)
- ۳- بازنگری در روشها و فنون اجرایی شهرسازی (بعد رویه‌ای)

از اوایل دهه ۷۰ شمسی به دنبال عدم تحقق طرحهای توسعه شهری وزارت کشور و مسکن و شهرسازی ایران هم طرح جدیدی را مورد بررسی قرار دادند. سرانجام در سازمان برنامه و بودجه، کمیته‌ای مشکل از مشاوران، نمایندگان این دو وزارتخانه تشکیل و نواقص طرح بررسی شد. در بررسیهای انجام شده به دو سوال اساسی و بسیار مهم پاسخ داده شد: اول آنکه در شرایط فقدان طرح‌های بالادست (طرح‌های آمایشی در مقیاس ملی، سرزمینی و منطقه‌ای) میتوان ضمن تهیه طرح‌های جامع، روستاهای پیرامون شهر را که ارتباط مستقیمی با شهر دارند، مورد مطالعه قرار داد و طرحی تهیه کرد که علاوه بر شهر، روستاهای را هم دربر بگیرد.

دوم آن که طرح جامع صرفاً به مسائل کالبدی نپردازد و مسائل اقتصادی و توسعه‌ای شهر را نیز در نظر بگیرد. اعمال این تغییرات، موجب تغییر نام طرحهای جامع به "طرحهای توسعه عمران و حوزه نفوذ" گردید؛ توسعه و عمران به دلیل اینکه این طرح‌ها به توسعه اقتصادی شهر می‌پردازد و حوزه نفوذ هم به دلیل اینکه وسعت محدوده مورد مطالعه باید از شهر فراتر رود.

بر این اساس، قرارداد تیپ ۱۲ با ۶ پیوست در سال ۶۲ تهیه شد که پیوست یک و ۲ آن به تعاریف و نکات راهنمای و پیوستهای ۳ تا ۶ به محتوای طرح می‌پرداخت. لازم به ذکر است انجام چهار پیوست مذکور سلسله مراتبی داشت که تحقق آن میتوانست تحولات بسیاری ایجاد کند. پیوست ۳ به ارائه طرح جامع، پیوست ۴ به طرح تفصیلی، پیوست ۵ به

تهیه نقشه جزئیات شهرسازی پرداخت که مهمتر از همه اینها پیوست شماره 6 بود که شامل تدوین برنامه عمران پنج ساله شهرداری توسط مهندس مشاور طرح و نظارت و بازنگری طرح در مقاطع زمانی مختلف می‌شد، که متأسفانه به هیچکدام از آن‌ها جامه عمل پوشانیده نشد. بنابراین از سال 62 با ارائه قرارداد تیپ 12 تا سال 70، طرح‌هایی تحت این عنوان تهیه شد. در این دوره نه تنها پیشنهادات توسعه عمران در این طرح‌ها ارائه نشد، بلکه مطالعات حوزه نفوذ هم تنها به بررسی تأثیرات روستاهای بر شهر می‌پرداخت و جنبه اجرایی نداشت.

در این دوره طرح‌های توسعه عمران و حوزه نفوذ مورد انتقاد قرار گرفت؛ تا این که در سال 69 دفتر طرح برنامه ریزی وزارت مسکن کمیته‌ای را تشکیل و سعی شد نگاه ساختاری، جایگزین نگاه جامع نگری قبلی شود. با تکیه بر نظام برنامه ریزی شهری انگلستان و از آنجا که بالاترین سطح تقسیمات کشوری در آن جا، شهرستان (county) است تصمیم گرفته شد طرح‌ها در سطح شهرستان و با نگاه استراتژیک تهیه گردد..

در نتیجه این اقدام طرح‌های توسعه عمران شهرستان مطرح شد. (طرح جامع ناحیه‌ای) این طرح بر پهنه بندی جمعیتی، توزیع خدمات از شهرها به روستاهای بزرگ و کوچک و ارتباطات و زیرساختها در سطح شهرستان تمرکز داشت.

در نتیجه این بحث‌ها طرح‌های توسعه و عمران شهرها مطرح شد که با گذشت چند سال این طرح‌ها در سطح ناحیه ای جای خود را باز کرد. مرحله دوم این طرح‌ها در سال 76 با ایجاد کمیته‌های مختلف در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل شد تا راجع به محتوا، قوانین و ساختار طرح‌ها اندیشه و تحولاتی ایجاد شود. در مرحله دوم، تهیه طرح‌های استراتژیک با اتکا به نظام شهرسازی آمریکا و انگلستان و انجام مطالعاتی در این حوزه مدنظر قرار گرفت. در جلسات برگزار شده در این کمیته لغت "ساختاری - راهبردی" پیشنهاد شد. لغت ساختاری از structure plan انگلستان و لغت راهبردی از strategic plan امریکا گرفته شد.

نیاز به تفکر استراتژیک در طرح ریزی شهری

طرح‌های جامع سنتی، به طور ذاتی ایستاده و برای حالتی از رشد آهسته شهری پیش‌بینی شده‌اند، بنابراین رشد سریع جمعیت، فقدان زیرساختها و خدمات و کمبود سرمایه و متخصص در توسعه‌ی شهرها، نیاز به فرایندهای برنامه ریزی پویاتر دارد. نخستین بار معتقدان برنامه ریزی جامع، در دهه‌ی 1960 این اندیشه را مطرح ساختند که محدودیت شناختی و محدودیت اطلاعات در عرصه‌ی برنامه ریزی، ایجاب می‌کند که برنامه ریزان از رفتن به سوی مجھولات و پیش‌بینی جزئیات پیش‌بینی ناپذیر پرهیز کنند و تلاش خود را بیشتر بر موضوعات روشنتر و اساسی‌تر تمرکز سازند. به نظر "فالودی" یکی از راههای غلبه بر محدودیتهای برنامه ریزی جامع، تسلیم به "راهبردهای برنامه ریزی" و "برنامه ریزی استراتژیک" است. در همین زمینه پیترهال نیز در انتقاد از برنامه ریزی جامع، به ضرورت به کارگیری اصول برنامه ریزی استراتژیک اشاره می‌کند. به نظر وی، برنامه ریزی شهری، بیش از پرداختن به جریئات، به تمرکز بیشتر بر روی اصول کلی نیاز دارد و باید بر فرایند یا توالی زمانی درجهت رسیدن به اهداف تاکید کند (مهدیزاده، 82، 1382).

درواقع امروزه صاحب نظران زیادی بر لزوم گذار از شیوه‌های سنتی برنامه ریزی و توجه بیشتر به رهیافت‌های جدید برنامه ریزی تاکید دارند. راندینلی معتقد است که یک رهیافت انطباقی بر پایه مفهوم برنامه ریزی استراتژیک است که بتواند شرایط در

حال تغییر و فعالیت های گسترش یافته را هدایت و کنترل کند. همچنین رکودی نیز با تأکید بر این قضیه، اظهار میکند که کیفیت مدیریت برنامه ریزی شهری، باید با حرکت از طرح های انعطاف ناپذیر (طرحهای بلوپرینت)، به سمت ترکیب برنامه ها و طرحهای تفصیلی و استراتژیک، بتواند به وسیله مفاهیمی قوی و اساسی تر پیش برود در واقع "رویکرد استراتژیک در گستره روابط ناگسستنی مدیریت و برنامه ریزی به عنوان عامل پیونددهنده و برهم کنش عمل میکند و در هدایت هر دو موثر است".(سعیدنیا، ۱۳۸۲)

به کارگیری برنامه ریزی استراتژیک در حوزه‌ی برنامه ریزی شهری، از ابتدای شروع، بر کارآمد بودن، انعطاف پذیری، مورد توجه قراردادن صاحبان منافع، واقع گرایی و افزایش تعامل و همکاری تأکید داشته و برای تهیه و اجرای یک طرح کلی برنامه ریزی شهری به سمت یک چارچوب هماهنگ و انعطاف پذیر برای، شکل و الگوی شهر، پیش رفته است. در کل برنامه ریزی استراتژیک نسبت به یک برنامه ریزی بلندمدت شامل رویکردی پویاتر است، چراکه محیط متغیر، برنامه ریزی را میطلبد که پیوسته مرور شده و بازنگری گردد(زیاری، ۱۳۸۳: ۲۳۴)

برنامه ریزی استراتژیک	برنامه ریزی سنتی(الگوی جامع)
<p>تلقیق فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری؛</p> <p>تلقیق اهداف کالبدی با اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛</p> <p>تأکید بر فرایند چرخه‌ای و عمل دارد که شامل تدوین اهداف، بررسی وضع موجود، طراحی گزینه‌های مختلف، انتخاب گزینه برتر، تعیین اولویت‌ها، اجرای طرح و نظارت بر اجرا می‌شود و با اهداف کلان و اجرایی تعریف می‌شوند</p> <p>ارزیابی گزینه‌های مختلف و پیشنهاد راه حل؛</p> <p>انعطاف‌پذیری در تعیین موضوعات، روش‌های مطالعه و نحوه تدوین و ارائه گزارش اجرا و بازنگری؛</p> <p>یروزه‌ها را اولویت‌بندی نموده، ضرورتا آنها را در فضای مکان‌بایی نمایند</p> <p>تولید سیاست و راهکار اجرایی؛</p> <p>استفاده از شیوه‌های چرخه‌ای برنامه‌ریزی(از بالا به پایین و بر عکس)،</p> <p>توجه به مسائل و منافع اصلی دارد.</p>	<p>فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از هم جدا است؛</p> <p>اهداف طرح‌های جامع اصولاً کالبدی و ایجاد نظم در شهر می‌باشد؛</p> <p>گرایش به نتیجه دارد و فرایند از سه مرحله بررسی، تحلیل و تولید نقشه تشکیل می‌شود؛</p> <p>بررسی‌های فراگیر و بی‌هدف انجام می‌پذیرد؛</p> <p>گزینه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود؛</p> <p>فرایند محدود؛</p> <p>هدف، نظم دادن به فضای شهری است؛</p> <p>بازنگری ۱۰ ساله؛</p> <p>نتیجه نهایی، تولید نقشه و ضوابط استفاده از شیوه خطی برنامه ریزی؛</p> <p>توجه به انبوه جزئیات دارد؛</p>

جدول ۲ : مقایسه برنامه‌ریزی استراتژیک در برابر برنامه‌ریزی سنتی از نظر اهداف و فرایند برنامه‌ریزی (زیاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۷)

برنامه ریزی راهبردی

برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، رویکرد نوینی در برنامه ریزی و مدیریت توسعه و عمران شهری است که با اتکا به اصول توسعه پایدار شهری بر ترسیم چشم انداز، تدوین اهداف توسعه، رویارویی همه جانبه و منظم با مسائل اساسی شهر (موضوع‌های کلیدی و ساختاری شهر)، استفاده بهینه و اثربخش از منابع کمیاب (حفظ و اعتلای کیفیت محیط) و

دستیابی به نتایج مناسب برای عموم (تاکید بر اجرا و مشارکت) استوار است. برنامه ریزی راهبردی شهری، جهت توسعه یک شهر یا منطقه شهری را، با استفاده از وضع موجود آن و تحلیل سوآت (SWOT) مشخص می کند. این رویکرد به شهر کمک می کند تا به حوادثی که خیلی سریع اتفاق می افتد، پاسخ دهد و تغییرات را مدیریت کند تا کیفیت زندگی را بهبود بخشد. برنامه ریزی راهبردی شهری یک فرآیند است که باید تغییر کند تا موقعیت های متغیر در شهر را منعکس سازد. این فرآیند، به ناچار قبل از اینکه به جایگاه نهایی تصمیم برسد چند بار به جلو حرکت کرده یا به عقب برمه گردد.

این رویکرد به دنبال ارائه پاسخ برای سوالات زیر می باشد:

الف) کدام منطقه چه نوع رشدی را باید داشته باشد؟

ب) چگونه می توان پایه اقتصادی موجود را حفظ کرده و آن را توسعه داد؟

ج) چگونه می توان از کیفیت زندگی مراقبت کرده، آن را ارتقا داد؟

طرح ها و برنامه های استراتژیک شهری اصلا جایگزینی برای فرآیند برنامه ریزی و طرح های فضایی پیشنهاد شده که در سطوح مختلف تهیه شوند، نیست. فرآیند برنامه ریزی استراتژیک، توسعه را در جهت ارجحیت های استراتژیک که به وسیله همه بهره وران طی یک فرآیند مشارکتی شناسایی شده است، هدایت می کند.

برنامه ریزی استراتژیک شهر، فرآیند پیچیده و مداومی از تغییرات شهر را منعکس می کند. ویژگی های زیر، زمانی که به صورت مناسبی ترکیب شوند، یک فرآیند جامع و موفق برنامه ریزی استراتژیک را تعریف می کنند:

الف) جهت گیری آن به طرف آینده است و تلاش می کند تا پیش بینی نماید چگونه جهان در 5 تا 10 سال آینده می تواند با حال متفاوت باشد.

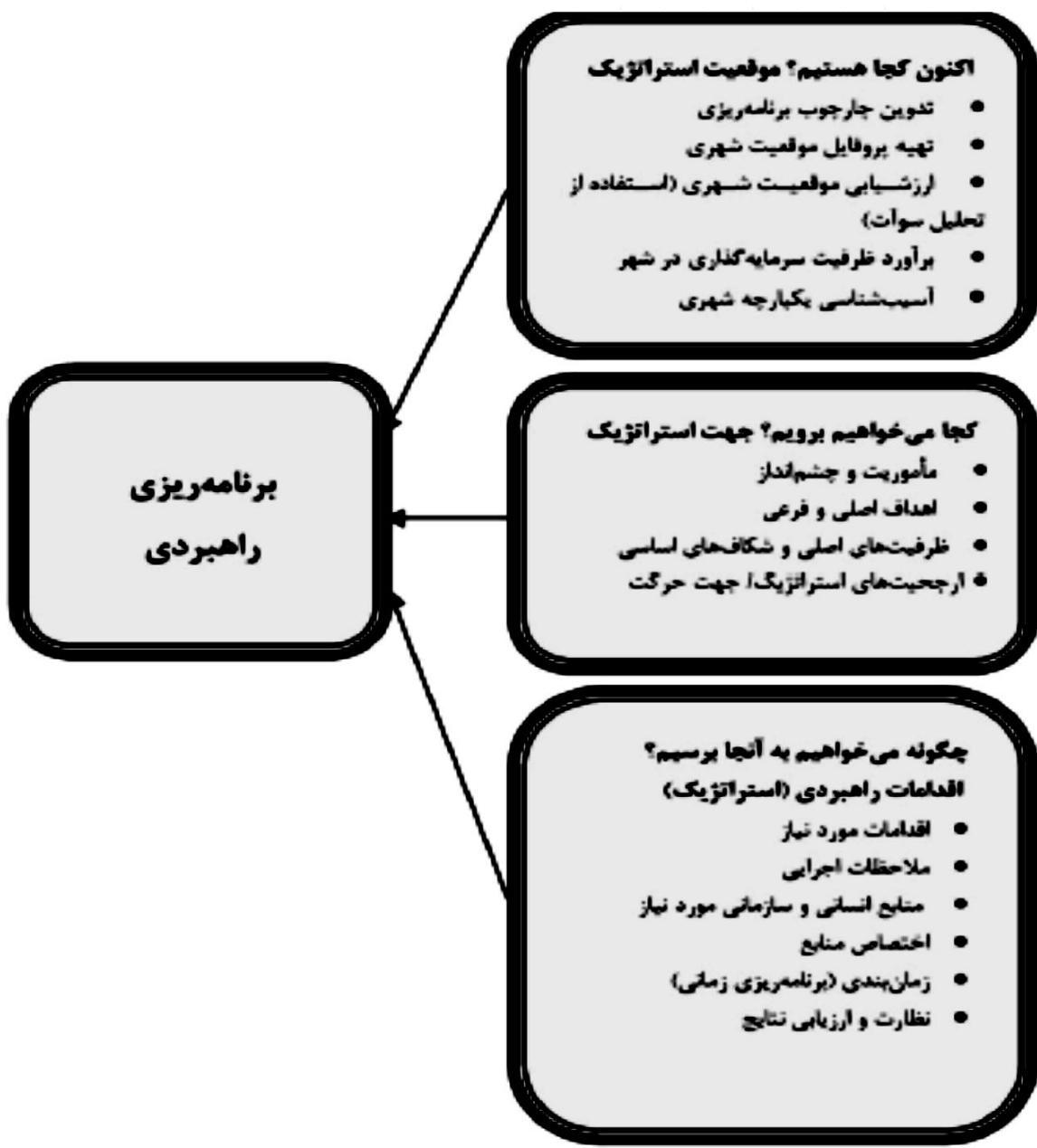
ب) انعطاف پذیر بوده و جهت گیری اش به سوی تصویر بزرگ تر است، شهر را با محیط آن هم تراز (مطابق) می کند، زمینه ای برای پیوند اهداف ایجاد می نماید و یک چارچوب و جهت را برای رسیدن به آینده مطلوب شهر فراهم می آورد.

ج) چارچوبی برای مزیت رقابتی شهر طی تحلیل کامل شهر، محیط بیرونی و داخلی و قابلیت های آن ایجاد می کند. این چارچوب، شهر را قادر می سازد تا در قالب چشم انداز و مأموریت که طی فرآیند برنامه ریزی استراتژیک توسعه یافته اند به ظهور روند ها، حوادث، بحران ها و فرصت ها پاسخ دهد.

د) فرآیندی کیفی و خلاقانه است که اطلاعات سودمند و ضروری که همیشه هم کمی نیستند مانند تجارب، شهود (درک مستقیم) و عقاید را یکپارچه می کند و بهره وران را با هدف تهیه یک چشم انداز روشن و مرکز بر روی شهر در گفتگو های مداومی درگیر می کند.

ه) به شهر امکان میدهد که در کانون توسعه باشد، چرا که یک فرآیند پویا است.

در یک نگاه جامع این فرآیند به دنبال پاسخ گویی به سوالات اساسی زیر می باشد:



شکل شماره ۲: فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی شهری

برنامه ریزی راهبردی شهری از جنبه های زیادی متفاوت از رویکردهای متداول برنامه ریزی شهری مانند طرح جامع (master plan) یا طرح توسعه جامع (comprehensive development plan) میباشد این نوع برنامه ریزی فرایندی دینامیک ، جامع نگر و مشارکتی ، با نگاهی به اجرا می باشد. بعلاوه با تمرکز بر روی تعداد کمی از ارجحیت ها در یک دوره زمانی مشخص از رویکرد گزینشی نسبت به رویکرد جامع برنامه ریزی متعارف برخوردار می باشد تفاوت میان دو رویکرد در جدول زیر امده است .

جدول ۸- تفاوت دو رویکرد برنامه ریزی راهبردی و متعارف

برنامه ریزی متعارف	برنامه ریزی راهبردی
رویکرد مرکز گرا	رویکرد مرکز زدا
تولید محور یا محصول محور (طرح)	فرایند محور و عمل محور
تنها بر پایه استراتژی های بازدارنده	ترکیب استراتژی های واکنشی و بازدارنده
انعطاف پذیر	انعطاف پذیر
با اجماع بروی قدرت پیش برنده شروع میشود	با اجماع بر روی موضوع ها شروع میشود
برنامه ریزی جدا از اجرا (و بنابراین بودجه	برنامه ریزی ، بودجه بندي و اجرای یکپارچه
جامع	متمرکز و گزینشی ، درجهت شناسایی و حل مسائل کلیدی ، درعین حال توسعه شهری پایدار و معادل در بلند مدت
برآورد محدود و به لحاظ سیاسی تحریک کننده از موقعیت	برآورد قوی از محیط درونی و بیرونی (موقعیت)
فرض اینکه روند موجود در اینده ادامه خواهد داشت	انتظار روند های جدید، مقطعي و عجیب
به شکل قابل توجهی بر روی اطلاعات بیشتر از درگیری با ذینفعان تأکید دارد	در تعامل با دامنه ای از ذینفعان
جهت گیری اداری و اطلاع رسانی	در گیری و اطلاع رسانی سیاسی ذینفعان مختلف
اجرا با جهت دهنی	اجرا با تفویض اختیار

جدول ۹- مقایسه پارادایم های شهرسازی

پارادایم برنامه ریزی راهبردی	پارادایم برنامه ریزی جامع - عقلانی	پارادایم ویژگی
خرد جمعی و تجارب بشری نسبیت گرانی و انعطاف پذیری دموکراسی و شرکت	خرد باوری علمی و اثبات گرانی قطعیت و تمامیت گرانی اقتدار دولت و مدیریت متمرکز	مبانی فکری و اجتماعی
توسعه پایدار شهری اعتلای کیفیت محیط زندگی تامین منافع عمومی	پیشرفت اقتصادی سازماندهی کالبدی کارآبی شهری (کارکرد گرانی)	اهداف کلان
نوع طرح ها از نظر: سطح مداخله مقیاس مداخله موضوع مداخله	طرح واحد و کامل: جامع-تفصیلی	الگوی طرح های توسعه
یکپارچگی تصمیم سازی و اجرا محوریت نهادهای محلی مدیریت عمودی و بخشی	جدایی تصمیم سازی و اجرا محوریت دولت مرکزی مدیریت عمودی و بخشی	رویه اجرایی

جدول ۱۰- مقایسه تطبیقی الگوی جامع با ساختاری-راهبردی

موضع	طرح جامع	طرح ساختاری-راهبردی
سرشت	ایستا- بدون تغییر بازنگری ۱۰ ساله	پویا- انعطاف پذیر-قابل بازنگری مستمر
دامنه مطالعات	جامعیت پژوهش‌هادها و سیاست‌ها	
شیوه بررسی‌ها	گسترده- بدون هدف نوشتاری- توصیفی	گزیده‌ای- هدفمند- آماری- استدلالی
شیوه تحلیل	تل斐ق تحلیل و طرح	تل斐ق بررسی و تحلیل
تولید طرح	تولید نقشه و ضوابط	تولید سیاست و راهکار اجرایی
اسناد طرح	نقشه طرح+ مقررات و ضوابط کالبدی	نقشه طرح + گزارش توجیهی+ پژوهش‌هادها و سیاست‌ها
محصول نهایی	تجویزی- توصیه‌ای	اجرایی و عملی
ارزیابی	توجیه مفاد مطالعات	توجیه پژوهش‌هادها و سیاست‌ها
جهت گیری	مسئله گرا (بر اساس نیازها)	هدف گرا (بر اساس نیازها)
محتوی	کاربری زمین	شاختار فضایی

ارتباط بین سیاست‌ها و طرح‌های کالبدی دو طرفه است. در طرح ساختاری هم بر طرح کالبدی و هم بر سیاست‌گذاری جهت رسیدن به اهداف عملیاتی تاکید می‌شود. این طرح‌ها دارای سطوح سه گانه تهیه طرح‌های راهبردی - ساختاری ، تهیه طرح‌های تفضیلی و نظارت ، پیگیری و بازنگری می‌باشد.

طرح‌های ساختاری در حالت کلی بر دو قسمت تفکیک می‌شوند : طرح ساختاری شهرستان و طرح ساختاری شهر . طرح ساختاری شهرستان در سطح ناحیه است و مربوط به اسکان ، فعالیت ، ارتباطات و زیرساخت‌های توسعه پایدار می‌باشد و کلیات ساختاری شهرهای بزرگ و هادی شهر ، هادی روستایی ، محوطه‌های صنعتی و توریستی و... را مشخص و خط مشارک توسعه آنها را تدوین می‌کند. قابل ذکر است در ایران این طرح‌ها از سال ۱۳۷۷ ه.ش در وزارت مسکن دنبال شده است.

اثبات فرضیه:

برای اثبات فرضیه تحقیق از تحلیل نتایج مطالعات طرح‌ها، در حوزه‌های تصمیم‌گیری، جمعیت و اجتماع، اقتصاد و فعالیت، ساختار طبیعی و محیط زیست، نظام حرکت، کاربری زمین و فضا انجام پذیرفت و اطلاعات لازم از طریق بررسی چند طرح توسعه شهری که به روش‌های الگوی سنتی و یا راهبردی- ساختاری تهیه شده اند به دست آمده و با توجه به مشکلات و

نارسایی های منتج از بررسی نتایج طرح های جامع و تفصیلی سنتی و تغییر رویکرد تهیه طرح های توسعه شهری به سمت الگوی راهبردی- ساختاری، نتایج طرح هایی که با این الگو تهیه شده اند از لحاظ انطباق با ویژگی های الگوی ساختاری - راهبردی بررسی شده اند.

نتایج بررسی طرح های توسعه شهری به شیوه الگوی جامع(سنتی)

تا کنون تحقیقاتی چند پیرامون میزان تحقق طرحهای توسعه شهری در ایران و دلائل عدم تحقق آن صورت پذیرفته است . در اینجا به تحقیق مهندسین مشاور زیستا که در قالب طرح ارزیابی طرحهای جامع شهری در ایران در هفت نمونه: شیراز ، اراک، یزد، مراغه، بندر عباس، رشت و زاهدان انجام گرفته است ، می پردازیم.

الف: در زمینه برآورد جمعیت ، حدود ۷۰ درصد پیش بینی ها با اشتباه فاحش همراه بوده است.

ب- در زمینه برآورد اشتغال، عملا هیچ یک از پیش بینی ها در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات تحقق پیدا نکرده است.

پ- در زمینه جهت گسترش شهر ، تقریبا در ۴۰ درصد موارد توسعه شهر خلاف جهت پیش بینی شده در طرح انجام گرفته است.

ت- در خصوص تراکم ساختمانی، تقریبا در هیچ یک از شهر ها ترکم های پیشنهادی تحقق پیدا نکرده است.

ث- در خصوص شبکه ارتباطی ، نه تنها شبکه پیشنهادی شکل نگرفته است، بلکه اغلب شبکه های احتمالی در مسیر های خلاف طرح ایجاد شده اند.

ج- در زمینه شکل گیری ساخت و بافت شهر، به دلیل عدم تحقق شبکه و استقرار خدمات، عملا ساختار پیشنهادی طرح در هیچ شهری تحقق نیافته است.

بنابراین در مجموع مشاهده می شود که طرحها نتوانسته اند عملای در جهت اهداف خود حرکت نمایند.

انچه که در نگاه اول و مرور اجمالی بر جنبه های مختلف ارائه شده در شرح خدمات تیپ ۱۲ قابل درک است، دیدن همه مسائل و مشکلات نظام شهرسازی و لحاظ نمودن آنها در مراحل گوناگون تهیه طرح های توسعه شهری است. اما در عمل اتفاق دیگری رخ می دهد، چرا که در جریان اجرای طرح های جامع ثابت شده است که بسیاری از اصول فوق الذکر تحقق پیدا نکرده و یا اصولا قابل تحقق نمی باشد، زیرا اصولا طرحهای جامع قادر به برنامه ریزی در بخش های مختلف مورد نیاز شهر ها نبوده و مجموعه نظام برنامه ریزی واجرایی کشور نیز چنین اجازه ای به تهیه کنندگان طرح ها و حتی دستگاه ارجاع دهنده آنها داده است. از طرف دیگر پیشنهاداتی که در جریان طرح برای سازمان ها و دستگاه های اجرایی تعریف شده است به دلیل عدم وجود الزام و یا عدم سازگاری طرح با ساختار برنامه ریزی و بودجه دستگاه ذیربسط بلا اثر باقی مانده است. با توجه به موارد پیش گفته ، برخی مسائل و مشکلات پیش روی نظام برنامه ریزی ایران و به تبع آن برنامه ریزی شهری در نظام یاد شده، به قرار زیر است.

الف: نظام اجرایی و تشکیلات برنامه ریزی شهری در کشور به علت وابستگی مدیریتی شهر ها به وزارت کشور در سازمان واحدی متumer کر نیست. علاوه بر وزارت راه و شهر سازی وزارت کشور نیز به علت حفظ جایگاه سنتی خود در تهیه طرح های شهری کما کان تهیه طرح های هادی شهر های کوچک را بعهده دارد.

ب- مراجع تصویب طرح های شهری متنوع بوده و گاه کاملا از یکدیگر جدا هستند. نبود ضوابط و معیارهای یکسان میان این مراجع موجب می شود که خروجی طرح های شهری با هم همپوشانی نداشته باشد.

پ- بسیاری از طرح های شهری حساس در شهرهای بزرگ ، به علت استقلال نسبی شهرباریها صرفا با سیاستهای شهرباری همسویی دارند و در مواردی دیده می شود که میان ضوابط و مقررات وزارت راه و شهر سازی با شهرباریها ناهمانگی وجود دارد. از جمله مقوله فروش تراکم که باعث اختلال در بدنه کالبدی شهرها شده و با هیچ یک از ضوابط وزارت راه و شهر سازی سازگاری ندارد اما به یکی از اصلی ترین منابع درآمدی شهرباریها تبدیل شده است و پیامدهای آن در یک مدار چرخشی بسته متوجه خود شهرباریها می شود .

ت- با توجه به تنوع مراجع تصمیم گیر ارجاع کننده و تصویب کننده طرح های شهری، بروز ناهمانگی در سیاستهای توسعه شهری و اجرایی این طرح ها امری قابل پیش بینی است.

ث- در نظام اجرایی و تشکیلات برنامه ریزی شهری ایران علاوه بر دخالت سازمانهای مختلف، موازی کاری نیز از مشکلات اجرایی طرح های توسعه شهری است چرا که هنوز حوزه و میدان فعالیت طرح های منطقه ای، آمایش ، کالبدی، کلان شهر ها و بسیاری دیگر از طرح های مشابه بدرستی تعریف نشده و گاه سازمانهای موازی به تشخیص خود تهیه اینگونه طرح ها را بعده می گیرد.

نتایج بررسی طرح های شهری در ایران نشانگر آنست که بطور عمده، عدم تحقق اهداف برنامه ریزی و طراحی شهری در ایران، بر پنج محور عمده زیر استوار است:

۱- عدم امکان پیش بینی های صحیح

۲- عدم توجه به چگونگی تامین مالی و بازتابهای اقتصادی طرح

۳- عوامل کالبدی موثر در عدم تحقق طرح های شهری

۴- برنامه ریزی غیر واقع گرا و صلب

۵- بی توجهی به نقش مردم و خواستهای آنها در شکل گیری طرح

بسیاری از اصول و معیارهای پیش بینی شده همچون انعطاف پذیری مشارکت مردمی و یا پیشنهادات مربوط به حوزه نفوذ اصولا یا دیده نشده و یا به جنبه های اجرایی نزدیک نشده است در عین حال بخش هایی از ساختار اصلی شرح خدمات اصلا به قرارداد منجر نمی شود مشخصا تهیه طرح جزئیات شهری(پیوست شماره ۵) و نظارت بر اجرا (پیوست شماره ۶) به دلیل عدم وجود اعتبار مالی دولت و واگذاری آن به شهرباری ها عملا به فراموشی سپرده می شود.

مشکلات روش های تهیه طرح های توسعه شهری به طور عام در ایران به صورت خلاصه عبارت اند از:

- تهیه طرح های توسعه برای شهرهای مختلف براساس قراردادهای همسان انجام مطالعات مفصل و پراکنده و بی ارتباط با پیشنهادهای طرح

- طولانی شدن روند تهیه طرح ها و بی ارزش شدن برخی پیشنهادها

- تأکید بیش از حد بر معیارهای کمی و یکسان سازی الگوها

- عدم توجه به مشارکت شهروندان و توانمندی شهرباری ها

- عدم توجه به طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری
- عدم توجه به بازتاب‌های اقتصادی برنامه‌های آتی شهر
- بی توجهی به تقسیمات اداری و سیاسی
- تقلیل برنامه‌ریزی جامع شهری به برنامه‌ریزی کالبدی
- عدم توجه به لزوم تلفیق اهداف کالبدی با اهداف محیطی، اقتصادی و اجتماعی
- عدم پویایی و انعطاف پذیری طرح‌ها
- عدم ارائه راهکار اجری مقابله با شکل بافت ناموزون کالبدی شهرها و همچنین معضلات موجود در شهرها از قبیل موضوع**
- ترافیک و حمل و نقل درون شهری
- تعداد کم اما کن عومومی جهت کاربریهای فرهنگی و اجتماعی
- وضعیت سیستم جمع آوری آبهای سطحی و فاضلاب و پارکینگ خودروها
- تداخل ماموریتهای سازمانهای خدمات رسان با ماموریت شهرداری به عنوان متولی اصلی شهر
- پراکندگی‌ها و بعض‌ا فشردگی و تراکم واحدهای ساختمانی
- ساخت وسازهای غیرمجاز
- حاشیه نشینی و عدم لحاظ و یا عملی نشدن موضوع شهری
- عدم توجه به تاثیرات متقابل شهرهابه یکدیگر
- عدم توجه به مزیت نسبی و علل بوجود آمدن شهر
- عدم توجه به موضوع مهاجرپذیری یا مهاجر فرستی مناطق شهر
- ناموزون بودن و تنفس زابودن سیما و منظر شهر
- نداشتن معماری تعریف شده برای مستحدثات
- در خصوص ضوابط و مقررات نیز با توجه به عدم انعطاف پذیری آنها و عدم تطبیق با نیازهای روز شهر وندان و شهرها موارد زیر قابل ذکر است:

- وجود نارسايي در قوانين و مقررات شهرسازی (تكرار، ابهام و تناقض و...)
- نارسايي در قوانين مربوط به مالكيت اراضي شهری و نحوه بهره برداری و نظارت عمومی بر آنها
- تعدد نسبی وزارت‌خانه‌ها، دستگاههای مسئول برای تهیه انواع طرح‌های کلان و خرد شهرسازی
- عدم مشارکت شهر وندان در روند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری
- نارسايي و کمبود در نيري و كارشناسي ماهر، اطلاعات، آمار و نقشه
- تبديل برنامه توسعه شهری به مجموعه‌ای از ضوابط خشک اداری و صوري
- عدم توجه کافی به امکانات و شرایط تحقق طرح‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی، فنی و سازمانی
- عدم وجود اهرم‌های کافی برای نظارت، اصلاح و پیگیری

در مجموع این نتایج باعث گردیدند که الگوی طرح‌های جامع کنار گذاشته شده و نظریه‌ها و روش‌های جدیدی مطرح گردند. بدین ترتیب انتظار معجزه از مطالعات برنامه‌ریزی برای کنترل دقیق و درست تحولات شهر کنار گذاشته شد و شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری عملاً روی به واقعیت آورد ..

نتایج بررسی طرح‌های توسعه شهری به شیوه الگوی راهبردی- ساختاری

با توجه به مشکلات و نارسانی‌های منتج از بررسی نتایج طرح‌های جامع و تفصیلی سنتی و تغییر رویکرد تهیه طرح‌های توسعه شهری به سمت الگوی راهبردی و ساختاری، نتایج طرح‌هایی که با این الگو تهیه شده‌اند (مشهد، بندر عباس و...)، از لحاظ انطباق با ویژگی‌های الگوی ساختاری - راهبردی بررسی شده‌اند. نتیجه کلی این بررسی در جدول زیر درج گردیده است.

جدول ۱۱- لیاق طرح‌ها توسعه و عمران شهرها با هریک از ویژگی‌های الگوی ساختاری - راهبردی

مقایسه نتایج	میزان انطباق با روش تقویت زیر معيارهای تحلیل استثنای پرسشنامه و مصاحبه				میزان اهمیت هر یک از ویژگی‌های از طریق تکمیل پرسشنامه	خصوصیات و ویژگی‌های برنامه‌ریزی ساختاری با رویکرد راهبردی
	امتیاز نهایی	انطباق	انطباق	امتیاز نهایی		
-	۰/۰۰۰	بی نظر	ندارد	-۰/۲۰۲	۱	مدیریت محلی طرح
مشاهیه	-۰/۱۷۴	ندارد	ندارد	-۰/۰۴۲	۲	واقع نگری و تحقق پذیری
مشاهیه	-۰/۱۴۶	ندارد	ندارد	-۰/۱۱۸	۳	اعطاف پذیری
مشاهیه	-۰/۱۰۸	ندارد	ندارد	-۰/۰۶۴	۴	نهادینه کردن تصمیمات
مشاهیه	۰/۰۷۸	دارد	دارد	۰/۰۶۲	۵	مسئله محوری و هدفمند بودن مطالعات
مشاهیه	-۰/۰۵۴	ندارد	ندارد	-۰/۰۱۲	۶	نظام چند سطحی در تصمیم سازی
-	۰/۰۰۰	بی نظر	دارد	۰/۰۱۱	۷	توجه به تعادل و پایداری در شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی
متافقن	۰/۰۲۰	دارد	ندارد	-۰/۰۰۷	۸	تعیین ساختارها
متافقن	۰/۰۱۹	دارد	ندارد	-۰/۰۰۵	۹	کیفیت‌های محیطی
مشاهیه	۰/۰۱۲	دارد	دارد	۰/۰۰۱	۱۰	ارتباط بین سطوح برنامه‌ریزی
مشاهیه	-۰/۲۳۳	ندارد	ندارد	-۰/۲۷۸		جمع

- نتایج و یافته‌های بررسی طرح توسعه و عمران شهرها، تهیه شده با دیدگاه ساختاری - راهبردی ، میان عدم انطباق طرح تهیه شده مذکور با ویژگی‌های الگوی ساختاری - راهبردی است. اگر چه تلاش‌های صورت گرفته ، موجبات انطباق طرحها با سه ویژگی (مساله محوری ، هدفمند بودن اطلاعات ، ارتباط بین سطوح برنامه‌ریزی) از ۱۰ ویژگی شناسایی شده فراهم نموده است. با این وجود عدم انطباق طرحها با ۵ ویژگی دیگر الگوی ساختاری - راهبردی (واقع نگری و تحقق پذیری ، مدیریت محلی طرح ، نهادینه کردن تصمیمات و ...) که غالباً مهم شناسایی شده‌اند ، موضوعی در خور تامل است. چراکه طرح‌های

ساختاری - راهبردی به عنوان الگوی مناسب در مقابل شیوه‌ی سنتی تهیه طرح‌ها که از درصد تحقق پذیری پایینی برخوردار بوده‌اند، در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور پیشنهاد گردیده است. در حالی که پژوهش نشان داد محصول نهایی رویکرد جدید طرح ریزی در کشور به لحاظ همه‌ی تنگناها و ایرادات نظری و عملی و همچنین اشکالات قانونی مترتب بر استفاده از طرح ساختاری - راهبردی به جای طرح جامع، تا اندازه‌ای از ساختار متحول این رویکرد جدید فاصله گرفته است. آنچه در دنیا تحت عنوان الگوی ساختاری - راهبردی اتفاق افتاده، ماحصل تغییرات بنیادی (در شرایط اجتماعی، فکری و بستر حقوقی) محیط برنامه‌ریزی و فرایند موجود در نظام برنامه‌ریزی شهری آن کشور‌ها بوده است که این امر خود بر ضرورت فراهم سازی بستر‌های جدید جهت تحقق رویکرد پارادایم ساختاری - راهبردی در تهیه طرح‌های توسعه‌ی شهری کشورمان صحّه می‌گذارد.

- در اداره، هدایت و راهبری مشاورین طبق روش ساختاری - راهبردی، نظر به اینکه بدنه کارشناسی و شهر سازی در اغلب شهرداری‌های در حال حاضر شکل نگرفته است. لذا شرایط و بستر مناسب برای چنین طرح‌هایی در بدنه کارشناسی و معاونت‌های شهر سازی و معماری شهرداری‌ها ایجاد نشده و با مشکلات عدیده قانونی و حقوقی مواجه است که نیازمند اصلاح و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی جهت انطباق این نیاز می‌باشد.

- مبانی قانونی دستگاه‌های قضایی کشور بیشتر با روش معمول و تیپ ۱۲ هماهنگ است و تغییر این دستگاه (قضایی) جهت انطباق با روش الگوی جدید ساختاری - راهبردی نیاز به زمان طولانی و ممارست مستمر بوده و اعتقاد بر این تحول و روش جدید، مهمترین پیش نیاز پیاده کردن اجراء این روش در مدیریت شهرها می‌باشد

- به لحاظ اینکه در حال حاضر شهرداری‌ها در اداره امور شهر، خود گردان بوده و منابع اعتباری آن به بخش خصوصی و صاحبان املاک شهری وابسته است. نتیجتاً امروزه اکثر شهرداری‌های کلان شهرها در اداره مدیریت شهرها در تامین منابع مالی گاهاً اغلب اصول شهر سازی دچار یک فراموشی و تغییر ساختار می‌شوند و قالب بندی این اصول و اقدامات منطقی و بدون طرح شهرداری‌ها در روش ساختاری - راهبردی با چالش جدی مواجه می‌باشد.

مهمنترین موافع، تنگناها و محدودیت‌های موجود در کاربرد پارادایم ساختاری - راهبردی در ایران:

۲- ناپایداری زیر ساخت‌های اقتصادی - اجتماعی شهری:

در طول نیم قرن اخیر تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل درون‌زا و برون‌زا به شدت در معرض تغییرات سریع قرار گرفته است. در زمان حاضر دگرگونی وسیعی در کل ساختار جمعیت کشور همراه با تحرک وسیع اجتماعی و قضایی مشاهده می‌شود. که سراسر کشور و تمام کانون‌های فعالیتی و سکونتی آن را دچار توسعه، بازسازی و نوسازی کرده است این وضعیت ناپایدار و در حال گذار همراه با حرکات جمعیتی، تغییرات شیوه سکونت و فعالیت و نیز تغییر مقررات و تشکیلات مدیریتی بوده است. که هر گونه برنامه‌ریزی، آینده نگری و نظارت بر توسعه و عمران شهری را با انبویی از مجهولات و تعارضات مواجه نموده است که از آن جمله می‌توان به آلودگی‌های زیست محیطی، رشد و جابجایی سریع جمعیت، کمبود و گرانی زمین و ... اشاره کرد که در حال حاضر امکانات کافی برای ساماندهی و پاسخگویی به آنها وجود ندارد.

۲- ناهمانگی در نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه و عمران شهری :

با نگاهی به نظام برنامه ریزی کشور متوجه می شویم که وظایف مربوط به توسعه و عمران شهری و منطقه ای ، در اختیار نهاد ها و سازمانهای مختلفی قرار دارد که اغلب تابع وظایف بخشی هستند و هماهنگی لازم میان آنها وجود ندارد و بسیاری مواد با تعارض و اختلاف رو برو می شوند .

۳- مشکلات ناشی از حقوق مالکیت اراضی و قوانین مربوط به آن :

نارسایی ، کمبود و ناهمانگی در قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت و نحوه نظارت بر اراضی شهری ، بویژه وجود اشکال مختلف مالکیت و انواع متولیان مختلف، یکی از عوامل اساسی در ناکامی طرح های جامع - تفصیلی و عدم تحقق کاربری ها و سرانه های پیشنهادی آنها محسوب می شود. در طرح های توسعه شهری، به طبع پیروی از الگوی منسخ برنامه ریزی جامع ، محتوای برنامه کاربری زمین ، معمولاً به تهیه « نقشه کاربری زمین » « جدول سرانه های کاربری » و « ضوابط منطقه بندی » محدود شده و کمتر به ابعاد اجتماعی ، اقتصادی ، محیطی و حقوقی استفاده از زمین توجه می شود در حالی که تحقق توسعه پایدار شهری در درجه اول به وجود قوانین محکم در زمینه استفاده بهینه از اراضی شهری در جهت منافع عمومی و نظارت بر اقتصاد زمین و ساختمان نیاز دارد .

وجود معضل بزرگ و پیچیده ای به نام مقوله زمین شهری که تبدیل به کالایی با ارزش افزوده بالا و رانت اقتصادی گشته و به دلیل ضعف در نظام آمایش شهری منجر به حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی شده است .

۴- ضعف بنیاد های مدیریت شهری و برنامه ریزی محلی :

یکی از اصول طرح های ساختاری - راهبردی ، افزایش اختیارات برنامه ریزی محلی و پاسخگویی به نیاز ها و ارزشها بومی است در حال حاضر ، اگرچه نقش شهرباریها و شورا های اسلامی شهر ، به عنوان ارکان اصلی مدیریت شهری ، در عرصه توسعه و عمران محلی فعال تر شده است ، ولی در اکثریت شهر ها به دلیل فقدان تجربه کافی و وجود سوابق ریشه دار مدیریت متمرکز دولتی ، هنوز جایگاه مدیریت شهری در برنامه ریزی محلی بصورتی نهادمند و قانونمند در نیامده است .

۵- فقدان منابع مالی لازم برای اجرای طرح های توسعه شهری ، به وسیله شهرباریها و نهاد های موثر در توسعه شهری

۶- ضعف بنیاد های مشارکت در توسعه و عمران شهری :

اصولاً برنامه ریزی ساختاری - راهبردی بر فرایند مشارکت میان تمام عوامل موثر در شهر (بخش دولتی ، بخش خصوصی ، تشکل های حرفه ای ، و تشکل های مردمی) استوار است . در شرایط کنونی ایران انگیزه ها و اقدامات مربوط به مشارکت جویی و مشارکت پذیری پدیده ای نو محسوب می شود که هنوز از مقررات ، تشکیلات و فرهنگ لازم بی بهره است . تشکل های حرفه ای ، تشکل های مردمی و سازمانهای غیر دولتی در حال حاضر به دلایل مختلف نمی توانند

نقش فعال در فرایند توسعه و عمران شهری ایفای نمایند. و اکثراً طرح های توسعه شهری از سوی مردم با عدم پذیرش مواجه می شوند (براتی، ۱۳۹۰)

جمع بندی بررسیها

نتایج بررسی نشان می دهد که هر گونه اقدام اصلاحی در فرآیند برنامه ریزی کشور، نیازمند اصلاحات اساسی در ابعاد رویه ای و محتوایی طرح های توسعه شهری است. از یک سوء بکارگیری پارادایم رویکرد ساختاری - راهبردی مستلزم تحول در روش و تکنیک برنامه ریزی و پذیرش انعطاف و عدم قطعیت است. انعطاف در سطوح تصمیم سازی که متضمن منافع آحاد جامعه است، نیازمند تحول در بستر قانونی و مدیریت شهری است.

اکنون با یک جمع بندی و نتیجه گیری اولیه در این رابطه می توان گفت: در جامعه ما وجود جوامع در حال توسعه ای که مسائل شهری کم و بیش مشابه ما را دارند، جامعیت طرح جامع شهری، بویژه در کلان شهرها، تا کنون، در حد ادعایی توالی باقی مانده و منشاء خیری نبوده است. بنابراین، اگر در عمل اینگونه طرح ها در حد همان منطقه بندی (زوینینگ) و کاربرد زمین باقی میمانند و امکان فراتر از آن را ندارند، پس چگونه میتوان ادعا نمود که مزید برعلت و مشکل ساز میشوند؟ با استفاده از نتایج علت را میتوان ناشی از دو گروه علل دانست.

نخست اینکه، چون الگوهای اقتباسی براساس عقلائی نمودن کاربرد ها تهیه می شوند - عقلائی بودنی که مبتنی بر برداشت های نظری و هنجارهایی است که، در مرحله معینی از اکتشاف سرمایه داری در غرب خاصه در آمریکای شمالی شکل گرفته است - اگر جامعیت طرح امکان تحقق نداشته باشد؛ تاکید میکنم: اگر جامعیت آن تحقق نیابد، و طرح در حد منطقه بندی و کاربرد زمین (زوینینگ) باقی بماند و امکان فراتر از آن را نیابد؛ در این صورت ضوابطی که اعمال می کند بدون پشتونه باقی مانده، در نتیجه مشکل آفرین میشوند! بدین سان که روند معروف به عقلائی نمودن کاربرد فضای شهری، اقتباس شده از جوامع سرمایه داری غربی، هنجارها (نرم) هائی را اعمال می نمایند که احتملاً ۱۵ درصد جامعه شهری ما - در مرحله گذار از توسعه نیافنگی - در شرایط حاضر از نظر امکاناتی که در اختیار دارند، یعنی از نظر سطح زندگی و توان اقتصادی شان، کم و بیش شرایط هماهنگی با آنها را دارند. در نتیجه اعمال هنجارهای مورد بحث برای بیش از ۸۵ درصد مابقی شهر و ندان حاصلی جز سخت ترشدن شرایط زندگی شان نخواهند داشت. (به عنوان شاهدی پیش رو طرح جامع تهران از زمان شروع اجرا تاکنون بیش از آنکه به عنوان مثال: مشکل دیرپایی مسکن را ذره ای تعديل نماید بصور مختلف موجب تشدید و بحرانی تر شدن آن شده است). به همین سبب است که در سالهای اخیر بسیاری از صاحب نظران جوامع در حال توسعه معتقد به تجدید نظر اساسی در الگوهای وارداتی برنامه ریزی شهری اند. اکنون، در صورت تحقق جامعیت طرح که درنهایت میتوانست حاصل اش به نفع اکثریت جامعه شهری باشد، با عدم تحقق آن، شاهد تشدید مشکلات در زمینه های مختلف زندگی شهری هستیم.

دوم - علاوه بر مشکل آفرینی ناشی از تحقق نیافتن جامعیت طرح و از آن مهمتر اینکه: چون دستگاه اجرائی بگونه ای دستوری اهدافی را پیشاپیش برای طرح تعیین نموده، و یا در عمل، به طرح تحمیل مینماید. اهدافی که بیشتر خواست دستگاه اجرائی و نه نیازهای معمول و متعارف طرح است. اهدافی که ریشه در ناتوانی و درمانگی دستگاه اجرائی دارد. اهدافی که بدون در نظر گرفتن محدودیت های ویژگیهای ساختاری وضع موجود تعیین میشوند. اهدافی که نه تنها با روند های در جریان تعاملی ندارند بلکه با آنها اکثراً در تقابل کامل اند. مانند: جلوگیری و ممانعت از گسترش شهر، تعیین سقف جمعیتی برای

شهر، دور کردن واحدهای صنعتی به خارج از محدوده مشخصی از شهر و یا در واقع دور کردن فعالیت های تولیدی ضعیف و ناتوان ما از تسهیلاتی که ، در این مرحله از توسعه ، تجمع جمعیتی برای آنها فراهم می‌آورد ، ایجاد شهر های جدید با فاصله از کلان شهر که اغلب روی دست می مانند و یا مانده اند ! وبالاخره بسیاری از فرمایش و خرده فرمایش های دیگر، که علی القاعده ربطی به جامع بودن و یا نبودن طرح شهر ندارند! یعنی میتوان طرح شهر را با هدف هدایت توسعه شهر تهیه نمود ، بدون اینکه ، تحمیل های فوق را بران افزود! اینها اهداف درواقع تحمیلی و مضاعفی هستند که ، بیش ازبرآورده نشدن جامعیت طرح ، آنرا به بن بست و ناکارآمدی می کشانند . تا جائی که میتوان گفت درصورتیکه : دستگاه اجرائی این خواسته های معمولاً" در تقابل با روند های درجریان را پیش نمی آورد ، بجای آن امکانات و فرصت های موجود را صرف مشارکت دادن مردم در سیاست گزاری و تصمیم گیریها مینمود ، علیرغم ضعف جامعیت طرح ، آن هم به سبب کاستیهای مذکور، مشکلات و معضلات تا حد زیادی تعديل می شدند!

پیشنهاد الگوی ایده‌آل برای تغییر و تحول

با توجه به مباحث قبلی در خصوص الگوی مطلوب توسعه شهر، مؤلفه های زیر جزو شرایط لازم برای شکل گیری طرح توسعه شهری به شمار می آیند - نظام مدیریت مقتصدر محلی(حکومت محلی)؛ - وجود سیاست های مصوب در طرح های بالادرست و اهداف روش برای سطوح شهری؛ - وجود نظام اطلاعاتی مدون و بهنگام با جزئیات قابل استناد و تأیید شده از سوی مراجع رسمی؛ - وجود نظام آمایش سرزمین و تدوین استراتژی های توسعه شهری(خصوصا در زمینه استقرار جمعیت و فعالیت)؛ - وجود نیروهای متخصص و کارآزموده در سطوح تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای طرح های توسعه شهری؛ - پذیرش اصل شهر وندمداری و دخالت مردم در تصمیم گیری و اجرای طرح؛ - شناسایی و کنترل نیروهای غیر رسمی و پنهان مؤثر در توسعه نامتوازن شهری(همانند نیروهای مؤثر بر ساخت و ساز شهری)؛ - قبول اصل مشارکت در برنامه ریزی و اجرا برای همه سطوح تصمیم گیری؛ - تأمین منابع مالی مکفی برای اجرای طرح از طریق منابع معین؛ - ایجاد ثبات در تصمیم گیری و عدم دخالت سلائق در تصمیمات؛ - برنامه ریزی همزمان در نظام توسعه روسایی به منظور کنترل تأثیرات سوء ناشی از ایجاد عدم تعادل های منطقه ای و مهاجرت؛ - وجود برنامه ریزی مداوم و هماهنگ با جریانات، برای حفظ پویایی کامل طرح؛ - پذیرش طرح از جانب ذی نفعان و مخاطبان(دستگاه های اجرایی مرتبط و مردم) به عنوان سند برنامه لازم الاجرا؛ و - واقعی دیدن پیشنهادهای طرح و ارائه الگوهای ساده برای دستیابی به اهداف.

امکانات (فرصت های) استفاده از پارادایم الگوی ساختاری _ راهبردی در ایران :

برنامه ریزی راهبردی در ذات خود دارای امکاناتی است که تا حدود زیادی می تواند از نقص و مشکلات الگوی طرح های جامع _ تفصیلی بکاهد. و از طرف دیگر ، دارای ویژگی هایی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام تصمیم گیری ، سازمان مدیریت ، شرایط مشارکت و امکانات علمی و فنی دارد در واقع عدم یا ضعف هر یک از این پیش شرط ها به عنوان مانع و مشکل بر سر راه اجرای این الگو تلقی می گردد. هر گونه استفاده از الگوی طرح های ساختاری _ راهبردی می باید با توجه به ماهیت و مبنای اساسی آن و در راستای انطباق آنها با شرایط ویژه اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کشور صورت گیرد و از هر گونه کپی برداری و تقليد سطحی باید از آن پرهیز گردد .

بطور کلی امکانات کاربرد الگوهای ساختاری _ راهبردی در ایران به سه عرصه تقسیم می شود :

۴) امکانات نظری و روش شناسی :

روش تهیه طرح های جامع - تفصیلی اولاً بر روش خطی و مراحل سه گانه سنتی (شناخت ، تحلیل ، طرح) استوار است که ماهیتا با محدودیت های نظری روبه رو است و از پویایی و انعطاف کافی در نحوه برشور دن با موضوعات پیچیده شهری بی بهره است. در حالی که در الگوی طرح های ساختار _ راهبردی ، فرآیند تهیه طرح به صورت چرخه ای است و از سیر پیچیده تر و پویا تری برشور دارد است. در این شیوه حداقل سه مرحله جدید به مراحل سنتی سه گانه افزوده شده است که عبارتند از:

الف) تعریف و تعیین اهداف و سیاست های طرح توسعه و عمران.

ب) ارائه و ارزیابی گزینه های مختلف در پیشنهادات.

ج) سازماندهی اجرا ، نظارت و اصلاح

این رویکرد ، امکانات زیادی برای انطباق با فرآیند تهیه طرح با نیازها و امکانات واقعی فراهم می آورد و از بروز شکاف میان مراحل تصمیم گیری ، تهیه طرح و اجرای آن جلوگیری می کند.

۵) امکانات سطوح تصمیم گیری و سلسله مراتب طرح های توسعه شهری :

از دیدگاه برنامه ریزی ساختاری _ راهبردی ، نمی توان تمام حیات شهر را در چارچوب یک طرح واحد تحت نظارت و هدایت در آورد. از این نظر برنامه ریزی برای توسعه و عمران هر شهر به سطوح مختلف تصمیم سازی و تصمیم گیری از یک طرف ، و تهیه و اجرای انواع طرح ها و پژوهه های توسعه و عمران در مقیاس ها و موضوعات مختلف از طرف دیگر نیاز دارد. در نظام جاری طرح های توسعه شهری و منطقه ای کشور ، انواع مختلفی از طرح های منطقه ای ، ناحیه ای ، جامع ، هادی و وجود دارد که با نیات مختلف و در سازمان های مختلف شکل گرفته و به همین دلیل از هماهنگی و انسجام کافی برشور دار نیستند. با وجود این از طریق بازنگری در محتوا و شکل این طرح ها می توان ، آنها را بر اساس نگرش راهبردی تحت یک سلسله مراتب معین تحت انتظام و هماهنگی در آورد. در حال حاضر با توجه به تعاریف و شرایط قانونی موجود در کشور ، می توان مجموعه طرح های توسعه و عمران شهری را ، با توجه به اصول و معیار های برنامه ریزی راهبردی ، به دو نوع اصلی تقسیم کرد :

الف) طرح های جامع (ساختاری _ راهبردی).

ب) طرح های تفصیلی (تفصیلی پایه _ موضوعی _ موضوعی).

این رویکرد کمک می کند که وظایف طرح های جامع و تفصیلی به صورتی هماهنگ و انعطاف پذیر تعریف گردد و مشکلات ناشی از تداخل و خلاصه میان این دو به حداقل کاهش یابد. در حال حاضر طرح های جامع بیش از حد وارد جزئیات می شوند و طرح های تفصیلی فاقد ویژگیهای اجرایی کافی هستند. بنابر این در تدوین شرح خدمات طرح های توسعه شهری می بایست برای هر کدام از انواع طرح های شهری ، شرح خدمات جداگانه ولی هماهنگ و مرتبط با طرح های دیگری تهیه شود. این امر از یک سو به حفظ انسجام منطقی و پیوستگی میان طرح های مختلف ، واز سوی دیگر ، به حفظ پویایی و انعطاف پذیری طرح ها و برنامه های مختلف کمک می کند. (براتی ، ۱۳۹۰)

۶) امکانات اجرایی و تحقیق پذیری طرح های توسعه شهری :

اصول اقتصادی و تشکیلات شهر سازی کشور به تدریج و تحت شرایط مختلف شکل گرفته و قادر یک نظام هماهنگ و جامع است. از جمله مسئولیت تهیه و اجرای انواع طرح های توسعه و عمران شهری (جامع ، تفصیلی ، هادی ، شهر های جدید و ...) به عهده نهاد های مختلف واگذار شده است. با وجود این در قوانین و مقررات موجود در کشور برخی راهکار های مفید در جهت اجرایی کردن طرح های توسعه ای شهری و تحقق پذیری آنها پیش بینی شده است که در عمل بنا به علل مختلف کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مواری به دست فراموشی سپرده شده است. در صورتی که از طریق بازنگری در این مقررات و تکمیل آنها به صورت ((قانون جامع شهرسازی کشور)) می توان بسیاری از مسائل و مشکلات موجود بر سر راه اجرای طرح های شهری را از میان برداشت ، از جمله می توان به مقررات مربوط به سلسله مراتب اختیارات شورای عالی شهر سازی و معماری ، شورای برنامه ریزی استان ، اختیارات شهرداری ها و شورای اسلامی شهر ، مصوبات قانونی برنامه سوم در زمینه ای عمران شهری و ... اشاره کرد.

- اقدامات لازم جهت بومی سازی و تطبیق بیشتر الگوی راهبردی - ساختاری در نظام شهرسازی ایران

امروزه کمتر کسی است که در حوزه ای آکادمیک ، نظام سیاسی و مدیریتی و چه در حوزه ای حرفه ای از طرح های سنتی جامع - تفصیلی در کشور دفاع کند. حتی موافقان با الگوی طرح های جامع - تفصیلی هم اعتقاد به اعمال تغییرات عمده در روند تهیه و اجرای طرح های جامع - تفصیلی دارند. اما آنچه به عنوان جایگزین طرح های جامع پیشنهاد شده (طرح های ساختاری - راهبردی) همانطور که ذکر شد، هنوز بطور کامل و فراگیر تشریح نشده و نکات مهمی در مورد آن وجود دارد که نیاز به پالایش جدی دارد. زیرا اگر قرار است روشنی تحت عنوان طرح ساختاری - راهبردی جای طرح جامع را بگیرد باید اولاً با شرایط سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ، حقوقی و قانونی در ایران همسو و همگرا باشد و ثانیا اشکالات و ایرادات طرح های جامع را نداشته باشد. ضمناً دیدگاه های پیشنهاد دهنده کان این روش در ایران تا حدودی زیادی همچنان متوجه موضوعات کالبدی و بعد فیزیکی شهر ها است که این امر نقض غرض بوده و مانع قرار گرفتن مسائل غیر کالبدی در حوزه ای مباحث شهر سازی می شود

الویت بندی اقدامات لازم :

اقدامات مورد نیاز برای ایجاد تغییر در نظام برنامه ریزی شهری ایران در قالب هر یک از موارد اشاره شده قبلی به شرح ذیل ارائه می گردد :

۳- اقدامات لازم برای رفع مشکلات مبانی نظری طرح های توسعه شهری ایران :

- تبدیل الگوی خطی فرایند سه گانه شناخت ، تحلیل ، طرح به الگوی چرخه ای مبتنی بر اهداف ، راهبرد و سیاست در برنامه ریزی .
- استفاده از نظریات سیاسی و اجتماعی ، خصوصاً برنامه ریزی دموکراتیک و مشارکت اجتماعی ، نیاز های اجتماعی و فرهنگی مردم .
- تهیه برنامه با رویکرد از پایین به بالا ، بر اساس تصمیم سازی و تصمیم گیری .
- اتکاء به اصول توسعه پایدار و توجه به مفاهیم آن .

- هدف گرای بودن برنامه ریزی شهری در زمینه تدوین اهداف ، روش و جمع آوری اطلاعات پایه .
- تاکید بر اهداف اجتماعی و فرهنگی و مفاهیم کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی .

۴- اقدامات لازم در خصوص تهیه و تدوین طرح های توسعه شهری :

- شناسایی عناصر اصلی ساختار شهری و تهیه طرح بر اساس و تعیین روابط متقابل بین هر یک از مجموعه نظام شهری
- تدوین طرح در چارچوب اهداف و سیاست های طرح های بالا دست .
- تدوین اهداف ، راهبرد و سیاست های مورد نیاز توسعه و عمران شهر و نحوه استفاده از اراضی و فضا های شهری
- توجه به کاربری زمین به عنوان موضوعی محلی و امکان مدیریت آن در طرح (ارائه ضوابط محلی)
- تاکید بر انعطاف پذیری ، پویایی و اصلاح پذیری طرح های توسعه شهری و یا تجدید نظر در طرح بوسیله مسئولان محلی
- تدوین چشم انداز به جای پیش بینی در خصوص آینده نگری و تحلیل
- تدوین طرح راهبردی آن بر اساس نیاز ها ، مشکلات و امکانات واقعی .
- سنجش تحقق پذیری طرح ها و امکان سنجی اجرای آنها با توجه به تامین منابع مالی برنامه های پیشنهادی
- ارائه الگوهای نظام سلسله مراتب توزیع تسهیلات و خدمات رفاهی شهری بر اساس نیاز و نه روابط هندسی خشک .
- دسته بندي طرح ها بر اساس محدوده های مورد نیاز مثل طرح محلی ، موضوعی ، طرح ناحیه مداخله .
- تدوین طرح بر اساس الگوی کلی و عام همانند : الگوی کلی ساختاری و پیکر بندي شهری ، الگوی عمومی کاربری زمین و فضا ، الگوی استخوان بندي شبکه ارتباطی ، فضای سبز و باز ، مراکز فراغتی ، فرهنگی ، تفریحی .
- اولویت بندي اقدامات به همراه بودجه بندي و تامین منابع مالی و امکان سنجی اجرای پروژه ها .

۳- اقدامات لازم برای رفع مشکلات نظام اجرایی طرح های توسعه شهری :

- توجه به مفهوم بازنگری و اصلاح مداوم در فرآیند اجرای طرح
- تقویت سازمانهای اجرایی و موسسات حرفه ای برنامه ریزی برای گسترش نظام اجرایی طرح
- چند مرحله ای کردن نظام اجرایی طرح شامل الف) اقدامات مستقیم : تعیین بودجه ، بdst آوردن زمین و طرح مداخله ،
- ب) اقدامات غیر مستقیم : ضوابط منطقه بندي ، مقررات تفکیک زمین ، عوارض زمین و ساختمان ج) اقدامات اداری ، ایجاد تشکیلات کار آمد برای اجراء و نظارت .
- تدوین نظام یکپارچه برنامه ریزی به دو سطح راهبردی و اجرایی و تلفیق عوامل برنامه ریزی با عوامل اجرایی و مشارکت عمومی

تقویت سازمانهای اجرایی و موسسات حرفه ای برنامه ریزی برای گسترش نظام اجرای طرح توسعه شهری .

۴- اقدامات لازم در خصوص مشکلات نظام تصویب طرح های توسعه شهری :

- تفکیک نظام تصویب به دو سطح مرکزی و محلی بر اساس مقیاس و مشخصات طرح توسعه .
- افزایش اختیارات نهاد های محلی از طریق تشکیل سازمانهای برنامه ریزی محلی و اعطای اختیارات به آنها .
- تدوین راهنمای تکمیلی برنامه ریزی برای مشخص شدن مراحل تهیه و تصویب طرح و تسریع در مراحل تائید طرح .
- ساده کردن مراحل تصویب طرحهای محلی و واگذاری اختیارات به نهاد های محلی.

۵- اقدامات لازم در خصوص تهیه طرح های فرا دست :

- تهیه و تصویب سیاستهای کلان سرزمین و تدوین چارچوب نظام اسکان جمعیت و فعالیت .
- تهیه ای طرح بر اساس سیاستهای ملی - منطقه ای و تفسیر و تشریح طرح به اقتضای شرایط ناحیه مورد نظر .
- تهیه طرح توسعه در دو سطح ساختاری و محلی با توجه به چارچوب مصوبات رسمی نظام برنامه ریزی کشور.

۶- اقدامات لازم در خصوص تدوین ضوابط و مقررات :

- تدوین قوانین پایه در خصوص نحوه استفاده از اراضی شهری و تدقیق قوانین روشن کاربری اراضی
- تدوین قوانین و ضوابط متنوع و متعدد بر اساس نیاز طرح های ساختاری - راهبردی همچون ضوابط زیست محیطی .
- استفاده بهینه و پایدار از اراضی شهری در جهت حفظ منابع عمومی از طریق :

الف) واگذاری مالکیت اراضی شهری به شهرداریها .

ب) جذب بخشی از اضافه ارزش زمین به منظور تامین رفاه عمومی .

ج) استفاده از روش های منطقه بندی منعطف به جای منطقه بندی ثابت در مواردی همچون : منطقه بندی نقطه ای ، منطقه بندی قراردادی و منطقه بندی خوش ای .

نتیجه گیری و پیشنهادات

شرط اساسی برای تحقق طرح های ساختاری - راهبردی در کشورمان با توجه به مواد قوانین برنامه های پنج ساله کشور، ضرورت استقرار و اجراء نظام یکپارچه ای مدیریت شهری در سطح محلی است. منظور نظامی است که بتواند با اتکاً بر وحدت و هماهنگی هدفمند بین عناصر و دست اندر کاران مختلف حیات شهری در بخش های دولتی ، خصوصی و عمومی ، بستر لازم را برای تحقق طرح ها و برنامه های توسعه ای همه جانبه شهری در قالب مدیریت شهری یکپارچه و راهبردی فراهم آورد.

- مخاصم کلام اینکه مدل برنامه ریزی ایران در چارچوب تفکر پارادایم ساختاری - راهبردی باید در پرتو تجربیات ارزنده پنج دهه ای گذشته بازنگری و تدوین شود. خود این امر فرآیندی پایان ناپذیر است ، بطوریکه این الگو باید بصورت دائمی در محک نقد و اصلاح قرار گیرد و همزمان به موازات تغییر در روش ها و یا قبل از آن نظام تشکیلاتی و ساختاری جدید پیش بینی و قوانین لازم برای تحقق این امر نیز تهیه و تدوین گردد با این تفکر می توان تحولات اخیر در بکارگیری رویکرد پارادایم ساختاری - راهبردی را جدای از هر نقد و اصلاحی و با قبول همه ای نظرات و تعمق در همه ای آراء موافق و مخالف ، گامی مشیت در نظام برنامه ریزی ایران بشمار آورد

فهرست منابع

- آریانپور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۲)، "فرهنگ بزرگ یکجلدی پیشرو آریانپور"، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، تهران .
- آیت الله‌ی، سید علیرضا (۱۳۷۷)، "اصول برنامه ریزی"، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران .
- احمدیان، رضا (۱۳۸۰) اتلاف زمان در مرحله تصویب طرح های شهرسازی، مجله شهرداریها شماره ۲۲۵ .
- ایکاف، راسل (۱۳۷۵)، "برنامه ریزی تعاملی"، ترجمه : خلیلی شورینی ، سهرباب ، کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، تهران .
- بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲)، "فرآیند طراحی شهر"، دانشگاه تهران، تهران .
- بهبهانی، حمید و دیگران (۱۳۷۴)، "مهندسی ترافیک (تئوری و کاربرد)"، سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران، تهران .
- تاجداری، پرویز (۱۳۷۳)، "روش های علمی تحقیق همراه با نظریه ارزشیابی" ، اتا، تهران .
- چدویک، م. ج (۱۳۶۵)، "نقش ارزیابی در روند برنامه ریزی شهری و منطقه ای" ، ترجمه : قراگزلو، زهره، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران .
- چیتابار، بی، بی (۱۳۷۳)، "مقدمه ای بر جامعه شناسی (با تأکید بر جامعه شناسی روستایی)" ، ترجمه : حجاران، احمد و ... ، نشرنی، تهران .
- حاضر، منوچهر (۱۳۷۳)، "تصمیم گیری در مدیریت" ، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران .
- دادگران، سید محمد (۱۳۷۳)، "مبانی ارتباطات جمعی" ، فیروزه، تهران .
- دفتر فنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۶۳)، "قرارداد تهیه طرح های توسعه و عمران" ، حوزه نفوذ شهرها، تهران .
- شهیدی، محمد حسن (۱۳۶۸)، "دیدگاه سیستمی در مفهوم برنامه ریزی و مدیریت شهری (مقاله)" ، شهره ای جدید، فرهنگی جدید در شهر نشینی، شرکت عمران شهرهای جدید وزارت مسکن و شهر سازی، تهران .
- قانع بصیری، محسن (۱۳۷۳)، "از اطلاعات تا آگاهی (نظریه تعادلات سه جزئی)" ، شرکت ساختمانی نوساختمان، تهران .
- قدسی پور، سید حسن (۱۳۷۹)، "فرآیند تحلیل سلسله مراتبی .
- گروتر، یورگ (۱۳۷۵)، "زیبا شناختی در معماری" ، ترجمه: پاکزاد، جهانشاه و ... ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران .
- نور محمدزاد، حسین (۱۳۸۳)، "نگاهی سیستماتیک به مسائل شهر" ، شماره ۳۹ صفحه، نشریه علمی پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران .
- وانک دیوید و گروت (۱۳۸۶) روش های تحقیق در معماری ، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
- هیچیز، درک (۱۳۷۶)، "کاربرد اندیشه سیستمی" ، ترجمه : اصلاحی، رشید ، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران .
-),"A system view of planning" . pergamom press. ۱۹۷۸- CHADWICK , G.M.(
-)," Lexicon of contemporary English" , singapore , longman pTe Ltd. ۱۹۹۶- MCARTHUR, Tom (
- نویسنده : دکتر حسین نورمحمدزاد - عضو هیات علمی دانشکده شهرسازی دانشگاه یزد